

تبیین و تحلیل وضعیت مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی منظر شهری در باغ شهر بم

^۱ فرانک ترک زاده ^۱، محسن قاسمی ^{۲*}، منصور نیک پور ^۳

^۱ پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

^۲ استادیار، گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران. نویسنده مسئول.

^۳ استادیار، گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده

انقلاب صنعتی، نوگرایی و نظام سرمایه‌داری در سطح جهانی، چنان تغییرات بنیادی و اساسی بوجود آورده است که میزان و شدت آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته با توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به صورت‌های مختلف نمود پیدا کرده است که در ایران، اولین نمود آن در شهر و سیمای شهرها تبلور کالبدی - فضایی یافته است و شهرها را به لحاظ کالبدی و فضایی دچار انقطاع تاریخی کرده که زمانی با الگوی معماری، سیما و منظر که از خود به نمایش می‌گذاشتند، زبانزد عام و خاص بودند؛ باغشهر بم با ارزشهای طبیعی و سازه‌ای خود در دل کویر، یکی از این شهرهاست که با رویدادهای طبیعی و جریان‌های نوگرایی و... دیگر برای مخاطب به لحاظ زیبایی جذابیت خاصی ندارد، با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش به بررسی و تحلیل وضعیت مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی منظر شهری شهر بم با این پرسش که راهکارهای مناسب جهت ارتقاء کیفیت ساختار معماری منظر باغ شهر بم کدامند، پرداخته می‌شود. رویکرد این تحقیق توصیفی - تحلیلی است که از دو مطالعه تشکیل شده و از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده میدانی و مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است و در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها در مطالعه اول (کمی) از مدل VIKOR برای رتبه‌بندی راسته‌های مورد بررسی با توجه به معیارهای مورد مطالعه استفاده شد و همچنین در مطالعه دوم (کیفی) (مصاحبه) از نرم افزار ATLAS TI برای استخراج کدها بهره گرفته شد، نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مطلوبیت ساختار کالبدی و معماری موجود مناظر باغ شهر بم در وضعیت متوسطی قرار دارد که متخصصان: گسست از تاریخ و فرهنگ بومی، بحرانهای اقتصادی، طبیعی و اجتماعی، عدم توجه به عناصر طبیعی، اعمال سلیقه‌های فردی در سایه نبود قانون و محدودیتها را از مهمترین عوامل شکل‌گیری روند موجود آشتفتگی‌های منظر شهری باغشهر بم هستند.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، منظر شهری، آلودگی بصری، باغشهر بم.

* نویسنده مسئول: E-mail: faranak.torkzadeh@gmail.com

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بررسی مولفه‌های زیباشناختی منظر شهری و راهکارهای ارتقاء کیفیت آن در باغ شهرها مطالعه موردی باغ شهر بم" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بم انجام شده است.

مقدمه

منظر شهری اولین تصویری است که با حضور در شهر و بخش های مختلف آن در ذهن ناظرین نقش می بندد که این امر موجب قضاوت و دیدگاه افراد در ارتباط با آن می شود. پیوند و ارتباط الگوهای طراحی و معماری با ارزش ها، هویت و فرهنگ محلی، آداب و رسوم، اعتقادات، مصالح و اقلیم بومی در گذشته، نشانه های عینی - ذهنی مطلوبی در ذهن مخاطبان ایجاد می کرد که بازتاب تصویری زیبا و ماندگار از مناظر شهری قدیم بوده است که این تصویر در چند دهه اخیر به دلیل وقوع انقلاب صنعتی، گسترش جریان فکری - فلسفی مدرنیسم، تغییر در اولویت های برنامه ریزی و طراحی با رویکرد تجاری سازی و از بین رفتن مقیاس انسانی در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهری و همچنین قابل تعمیم نبودن روش های سنتی در پیکره شهرهای معاصر که از آن به عنوان منظر سرد در قرن بیستم یاد می کنند از مطلوبیت چندانی هم در بعد عینی (ایجاد تصویری زشت، مبهم و نامتعارف با ارزشهای فرهنگی، معماری و اقلیم محلی) و هم در بعد ذهنی (ناهمگونی با ترجیحات و سلايق مخاطبان و عدم القای حس خاطره انگیزی و نوستالژیک در مخاطبان و ناظران) برخوردار نیست و تصویری مبهم و نامتعارف از مناظر شهری در اذهان عمومی برجای گذاشته است.

مشاهده برخی از نمونه های برجای مانده از گذشته و مرور تاریخ معماری ایرانی و تحقیقاتی که در طی سالهای اخیر توسط برخی از پژوهشگران در شهرهای ایران صورت گرفته، نشان می دهد در گذشته مناظر شهری و الگوهای طراحی و معماری پیوند عمیقی با ارزشها، اعتقادات، اقلیم و مصالح بومی داشته است که تصویری زیبا و ماندگار از شهرها در اذهان عمومی شکل می داد، کما اینکه مشاهده آثار و نشانه های برجای مانده در مناظر شهرهای ایران، حس خاطره انگیز و زیبایی را در ناظران بوجود می آورد. با مقدمه ای که در ارتباط با مسئله ی تحقیق ارائه گردید مناظر شهری بم به عنوان نمونه ی مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت، در توجیه انتخاب این شهر برای مطالعه می توان با بررسی تاریخ معماری و شکل شهر بم به این واقعیت پی برد که این شهر در طول تاریخ با طراحی ها و ساختار کالبدی - فضایی منحصر به فردی که داشته است، توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران عرصه ی معماری و شهرسازی را به خود جلب کرده است که نمونه ی بارز آثار برجای مانده در این شهر ارگ بم را می توان نام برد.

شهر بم با سیمای باغ شهر خود واقع در جنوب شرقی کشور ایران در شرق استان کرمان، شهری کویری با بستر طبیعی و فرهنگی خاص خود و منفک از سایر شهرهای کویری ایران است. با نگاه به منظر و نمای بدنه های باغ شهر بم، که اولین باغ شهر ثبت شده جهانی است و همچنین با توجه به بازسازی آن پس از زلزله سال ۱۳۸۲، سعی می شود در این مطالعه به بررسی و ارزیابی وضعیت مناظر شهری آن پرداخته شود که مؤید اهمیت و ضرورت این پژوهش است. غفلت از پرداختن به این موضوع در اسناد کنونی هدایت شهر و بیان نیاز به پرداختن آن در همین اسناد و روند سریع تغییر و تحولات در این حوزه، منجر به عدم توانایی در ادراک و خوانش محیط و به تبع آن تخریب ذهنی شهروندان و گردشگران از این محدوده و در نتیجه جذب پایین گردشگر و نزول توان رقابتی شهر با سایر شهرهای توریستی و نزول سرزندگی و نشاط شهروندان شده است. لذا پرداختن به موضوع ارتقا کیفیت منظر و نما شهری، از توجهات اساسی است. همچنین با گذشت حدود ۲۰ سال از زلزله بم و بازسازی پس از آن، ارزیابی کیفیت منظر از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. با این تفاسیر هدف این پژوهش:

- ۱ ارزیابی وضعیت مولفه های زیبایی شناسی منظر شهری در باغ شهر بم؛
- ۲ شناخت چالش های منظر شهری از لحاظ زیبایی شناسی در مناظر شهری بم می باشند که جهت محقق شدن اهداف تحقیق به دنبال پاسخی برای این پرسش ها:

- ۱ منظر شهری بم با توجه به مولفه های زیبایی شناسی در چه وضعیتی قرار دارند؟
- ۲ مهمترین چالش های ساختار معماری مناظر باغ شهر بم از لحاظ زیبایی شناسی کدامند؟

پیشینه پژوهش

تصویری که ناظران فضا به هنگام حضور و زندگی در شهر و بخش‌های مختلف آن از فضاها دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند، منظر شهری می‌باشد (Wang & Gu, 2020) که این تصویر به نوعی قضاوت و دیدگاه افراد را در ارتباط با فضا شکل می‌دهد و در اولین برخورد نظر بیننده را بر خود جلب می‌کند (Stiles et al, 2014). بازتاب فضایی، ایجاد تصویری زیبا و ماندگار از مناظر شهری در شهرها ریشه در ارزش‌ها، هویت و فرهنگ محلی آن شهر دارد (Zurier, 2006). در گذشته پیوند و ارتباط الگوهای طراحی و معماری با ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، مصالح و اقلیم محلی، آثار و نشانه‌های عینی - ذهنی پایدار و مطلوبی در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کرد (Yamagata et al., 2016). ولی در چند دهه‌ی اخیر تصویر و قضاوت‌هایی که ناظران از مناظر شهری داشته‌اند، از مطلوبیت چندانی برخوردار نبوده است (Liu et al., 2022)؛ با وقوع انقلاب صنعتی و گسترش جریان فکری - فلسفی مدرنیسم و سرمایه‌داری، آشفتگی مناظر شهری در شهرها، در نتیجه‌ی تغییر اولویت‌های برنامه‌ریزی و طراحی با رویکرد تجاری‌سازی، از بین رفتن مقیاس انسانی در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی شهری، گسترش الگوهای نامتعارف با ساختار و معماری بومی، تغییر الگوهای زیست و مصرف حاصل شده است (Robinson, 2004) که آثار و نشانه‌های بازتاب فضایی این آشفتگی، هم در بعد عینی (ایجاد تصویری زشت، مبهم و نامتعارف با ارزشهای فرهنگی، معماری و اقلیم محلی) و هم در بعد ذهنی (ناهمگونی با ترجیحات و سلايق مخاطبان و عدم القای حس خاطره انگیزی و نوستالژیک در مخاطبان و ناظران) میتوان مشاهده کرد (Lazarus, 2002). یکی از دلایل اصلی این بحران، شهری شدن سرمایه، ترویج سودآوری، نگاه کالایی به بناها و جایگزینی ارزشهای تجاری و اقتصادی با ارزشهای زیبایی و معنایی می‌باشد که تصویری مبهم و نامتعارف از مناظر شهری در اذهان عمومی برجای گذاشته است (Chen, 2021).

مشاهده برخی از نمونه‌های برجای مانده از گذشته و مرور تاریخ معماری ایرانی و تحقیقاتی که در طی سالهای اخیر توسط برخی از پژوهشگران در شهرهای ایران صورت گرفته، نشان می‌دهد در گذشته مناظر شهری و الگوهای طراحی و معماری پیوند عمیقی با ارزشها، اعتقادات، اقلیم و مصالح بومی داشته است که تصویری زیبا و ماندگار از شهرها در اذهان عمومی شکل می‌داد، کما اینکه مشاهده آثار و نشانه‌های برجای مانده در درسیمای شهرهای ایران، حس خاطره‌انگیز و زیبایی را در ناظران بوجود می‌آورد (Mahan & Mansouri, 2017; Mirvahedi, 2017; Falahatkar & Aminzadeh, 2018; Dincă et al., 2023; Rahimi & Breuste, 2023; Kafi et al., 2023).

ولی با ورود جریان مدرنیسم و نظام سرمایه‌داری به ایران از قرن ۱۴، ارزشها و نظام معنایی غیرمتعارف و ناهمگونی در قالب معماری مدرن متأخر، سبک بین‌الملل و... در تضاد با نظام و الگوهای طراحی معماری ایرانی در شهرهای ایرانی شکل گرفت، در واقع معماری و شهرسازی جزو اولین عرصه‌هایی بودند که در شهرهای ایران برای اشاعه‌ی نظام فکری و اندیشه‌ای مدرنیسم تحت چکش کاریهایی بنیادی قرار گرفت (Diba & Dehbashi, 2004)، البته با الگوبرداری تقلیدی و سطحی و بدون شناخت و انس گرفتن با واقعیت جامعه‌ی ایرانی و بویژه معماری و شهرسازی بیشتر در قالب شبه‌مدرنیسم ظاهر گردید (Ghasemi et al, 2019) و می‌توان گفت پیوستگی ناهمگونی الگوهای و نظام معنایی سطحی شبه‌مدرنیسم، ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری و معماری منظر در دوره‌ی معاصر و آینده دچار تضادی شده است که بدون بنیان فکری، فلسفی و فرهنگی پیش می‌رود (Habibi & De Meulder, 2015). قابل ذکر است که در طی سال‌های اخیر در جهت رفع و درمان آشفتگی‌های بصری و کالبدی در عرصه‌ی سیما و مناظر شهری توسط اندیشمندان تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که همگی بر امر زیباسازی شهری با تکیه بر مبانی ارزشی، فرهنگی، اقلیمی و تاریخی شهرها تأکید داشته‌اند. صلاحی در سال ۲۰۲۳ در مقاله‌ای با عنوان «ارائه راهکارهای طراحی نماهای شهری بر اساس اصول زیبایی شناسی رنگ ها، مطالعه موردی: خیابان عفیف آباد شیراز» به عدم طراحی خاص زیبایی شناسی نما به ویژه رنگ ها در کلانشهر شیراز می پردازد. هدف از این تحقیق ارائه راهکارهایی برای بهبود منظر شهری در سطوح خیابان ها و نماهای شهری است. روش تحقیق مورد استفاده، یک مطالعه کاربردی-تحلیلی بوده که شامل پیمایش است که در آن از پرسشنامه برای جمع آوری داده ها از ساکنان شهر شیراز

استفاده شده است. جامعه آماری و حجم نمونه شامل کلیه ساکنان شهر شیراز بود که از بین آنها ۴۰۵ نفر بر اساس فرمول کوکران و روش نمونه گیری انتخاب شدند. یافته ها و نتایج تحقیق شامل ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان از قبیل سن، تحصیلات، ارتباط رشته تحصیلی با موضوع و جنسیت می باشد. داده های به دست آمده از پرسشنامه ها در دو بخش آمار توصیفی، مشخصات دموگرافیک پاسخ دهندگان و اولویت بندی مولفه های زیبایی شناسی رنگ ها در خیابان عفیف آباد شیراز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین در این مقاله مدلی برای طراحی نمای شهری بر اساس اصول زیبایی شناسی رنگ ها ارائه شده است که شامل ۱۳ مولفه سرزندگی، فاصله، تمرکز، آرامش، امنیت، خلاقیت، تعادل، اجتماعی بودن، شادی، خوش بینی، ساختن خاطره، نفوذ پذیری و سرگرم کننده بصری است. به طور کلی، این تحقیق بینش های ارزشمندی در مورد چگونگی بهبود زیبایی شناسی نماهای شهری و اهمیت در نظر گرفتن اصول رنگ ها در طراحی نماهای شهری ارائه می دهد (salahi&moztarzadeh, 2023). همچنین مقاله ای با عنوان «شناخت مؤلفه های عناصر و ارزش های نظام بصری منظر شهری» توسط کریمی و همکاران در سال ۱۴۰۱ نوشته شده است. این مقاله به بررسی ماهیت عینی - ذهنی منظر شهری و چگونگی درک حواس مختلف انسان، به ویژه بینایی می پردازد. اهمیت توجه به نقش فعالیت در شکل گیری سیستم بصری منظر شهری را برجسته می کند. نویسندگان از روش تحقیق کیفی برای تجزیه و تحلیل اجزای سیستم بصری منظر شهری استفاده کردند. آنها مروری بر ادبیات انجام دادند و مطالعات موردی مختلفی را برای شناسایی عناصر و ارزش های سیستم بصری تجزیه و تحلیل کردند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که سیستم بصری منظر شهری از عناصر مختلفی از جمله محیط های طبیعی و ساخته شده تشکیل شده است و این عناصر دارای ارزش های متفاوتی هستند که به صورت ذهنی توسط افراد درک می شوند. این مطالعه همچنین اهمیت در نظر گرفتن نقش فعالیت در شکل گیری سیستم بصری منظر شهری را برجسته می کند. نتایج مقاله حاکی از آن است که سیستم بصری منظر شهری از عناصر مختلفی از جمله محیط های طبیعی و ساخته شده تشکیل شده است و این عناصر دارای ارزش های متفاوتی هستند که به صورت ذهنی توسط افراد درک می شوند. این مطالعه همچنین اهمیت در نظر گرفتن نقش فعالیت در شکل گیری سیستم بصری منظر شهری را برجسته می کند. مطالعه حاضر بینش های ارزشمندی را در مورد اجزا و ارزش های سیستم بصری منظر شهری ارائه می دهد که می تواند برای برنامه ریزان شهری، معماران و طراحان در ایجاد محیط های شهری قابل زندگی تر و پایدارتر مفید باشد (karimi et al , 2023). لیوو و همکاران در سال ۲۰۲۳ یک مطالعه تحقیقاتی انجام داده اند که با استفاده از رودخانه Qiantang در هانگژو به عنوان مطالعه موردی، رابطه بین فضا، روان شناسی و رفتار را در زمینه فضاهای سبز حاشیه آب شهری بررسی می کند. هدف این مطالعه شناسایی عواملی است که به ارزش زیبایی شناختی فضاهای سبز کنار آب کمک می کنند و بینش هایی درباره نحوه طراحی و مدیریت این فضاها برای افزایش جذابیت زیبایی شناختی و ترویج رفتارهای مثبت در بین بازدیدکنندگان ارائه می کند. این مطالعه از ترکیبی از روش های تحقیق کمی و کیفی، از جمله نظرسنجی، مصاحبه و مشاهدات برای جمع آوری داده ها در مورد ادراک و رفتار بازدیدکنندگان در فضای سبز حاشیه رودخانه Qiantang استفاده می کند. مقاله ای حاضر نشان می دهد که بازدیدکنندگان درک قوی از دو چشم انداز پارک دارند و منظره پارک جذابیت زیادی برای بازدیدکنندگان دارد، با بازدیدکنندگانی که شناخت بالایی از چشم انداز پارک دارند. این مطالعه همچنین نشان می دهد که ارزش زیبایی شناختی فضای سه بعدی نسبتاً خوب بود، در حالی که ارزش زیبایی شناختی فضای عمودی ضعیف بود. این مطالعه نتیجه گیری می کند که ارزش زیبایی شناختی فضاهای سبز کنار آب تحت تأثیر طیفی از عوامل، از جمله محیط طبیعی، محیط ساخته شده و محیط اجتماعی است. این مطالعه پیشنهاد می کند که طراحان و مدیران فضاهای سبز اسکله شهری باید این عوامل را در هنگام طراحی و مدیریت این فضاها در نظر بگیرند تا جذابیت زیبایی شناختی آنها را افزایش داده و رفتارهای مثبت را در بین بازدیدکنندگان ترویج دهند (liu et al , 2023). معتمدی نژاد و سعیدی مفرد در مطالعه ای در سال ۱۴۰۰ به ارزیابی تأثیرات بصری نمای ساختمان ها بر منظر طبیعی با موردی از بلوار نماز در مشهد پرداختند. در این پژوهش، تأثیرات مثبت و منفی نماهای شهری بر منظر طبیعی بررسی شده است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی

استفاده شده است. ابتدا با استفاده از روش برداشت میدانی و ابزار عکسبرداری، کیفیتهای بصری محدوده مطالعاتی شناسایی شده و سپس داده ها با استفاده از نرم افزارهای گرافیکی تحلیل شده و در نهایت با استفاده از روش ارزیابی تاثیرات بصری VIA، به ارزیابی اثرات نماهای شهر بر منظر طبیعی محدوده اقدام گردیده است. نتایج نشان داد که نماهای شهری می توانند تاثیرات مثبت و منفی بر منظر طبیعی داشته باشند. به عنوان مثال، نماهایی که از جنس سبزه و گیاهان استفاده می کنند، تاثیرات مثبت بر منظر طبیعی دارند. از طرفی، نماهایی که از جنس بتن و فلز استفاده می کنند، تاثیرات منفی بر منظر طبیعی دارند. همچنین، نتایج نشان داد که این تاثیرات می توانند برای همیشه باقی بمانند و در برخی موارد، تاثیرات منفی نماهای شهری بر منظر طبیعی قابل بازگشت نیستند (motamedi & saeidi, 2022). با مقدمه ای که در ارتباط با مسئله ی تحقیق ارائه گردید مناظر شهری بم به عنوان نمونه ی مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت، در توجیه انتخاب این شهر برای مطالعه می توان با بررسی تاریخ معماری و شکل شهر بم به این واقعیت پی برد که این شهر در طول تاریخ با طراحی ها و ساختار کالبدی - فضایی منحصر به فردی که داشته است، توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران عرصه ی معماری و شهرسازی را به خود جلب کرده است که نمونه ی بارز آثار برجای مانده در این شهر ارگ بم را می توان نام برد.

از همان ابتدای شکل گیری شهر که هسته اولیه آن قنوات بوده، حالت باغی را داشته و ساختار اصلی سکونت آن خانه باغ می باشد. در زلزله سال ۱۳۸۲ در حدود ۸۰ درصد شهر بم ویران شد. به جهت غنای قدمت و تاریخ بم، سعی بر آن شده که باغشهر بودنش حفظ شود. در همین راستا منظر فرهنگی شهر بم توسط سازمان جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. (عارفی، ۱۳۹۴: ۹). از مهمترین فاکتورهایی که یونسکو برای ثبت منظر بم در نظر داشته تعامل انسان با طبیعت در این شهر بوده است. با توجه به اینکه نظام آبرسانی قنوات بر مبنای نظام اجتماعی حاکم در بم شکل گرفته، نخلستان های بم به عنوان یک عامل مهم و موثر در ثبت منظر فرهنگی به شمار می رود. بدین ترتیب شهر بم را باغ شهر نمونه در سطح جهان معرفی کرده است که این گویای غنای بالای فرهنگ طبیعت دوستی و اهمیت به محیط زیست شهری می باشد. (گلپایگانی و عینی فر، ۱۳۸۶: ۹۶). شهر بم با سیمای باغ شهر خود واقع در جنوب شرقی کشور ایران در شرق استان کرمان، شهری کویری با بستر طبیعی و فرهنگی خاص خود و منفک از سایر شهرهای کویری ایران است. با نگاه به منظر و نمای بدنه های باغ شهر بم، که اولین باغ شهر ثبت شده جهانی است و همچنین با توجه به بازسازی آن پس از زلزله سال ۱۳۸۲، سعی می شود در این مطالعه به بررسی و ارزیابی وضعیت مناظر شهری آن پرداخته شود که مؤید اهمیت و ضرورت این پژوهش است. غفلت از پرداختن به این موضوع در اسناد کنونی هدایت شهر و بیان نیاز به پرداختن آن در همین اسناد و روند سریع تغییر و تحولات در این حوزه، منجر به عدم توانایی در ادراک و خوانش محیط و به تبع آن تخریب ذهنی شهروندان و گردشگران از این محدوده و در نتیجه جذب پایین گردشگر و نزول توان رقابتی شهر با سایر شهرهای توریستی و نزول سرزندگی و نشاط شهروندان شده است. لذا پرداختن به موضوع ارتقا کیفیت منظر و نما شهری، از توجهات اساسی است. همچنین با گذشت حدود ۱۹ سال از زلزله بم و بازسازی پس از آن، ارزیابی کیفیت منظر از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. با این تفاسیر هدف این پژوهش:

ارزیابی وضعیت مولفه های زیبایی شناسی منظر شهری در باغ شهر بم؛

شناخت چالش های منظر شهری از لحاظ زیبایی شناسی در مناظر شهری بم می باشند که جهت محقق شدن اهداف تحقیق به دنبال پاسخی برای این پرسش ها:

منظر شهری بم با توجه به مولفه های زیبایی شناسی در چه وضعیتی قرار دارند؟

مهمترین چالش های ساختار معماری مناظر باغ شهر بم از لحاظ زیبایی شناسی کدامند؟

■ مبانی نظری

در ارتباط با مفاهیم زیبایی‌شناسی شهری و منظر شهری نظریه‌پردازی‌های مختلفی صورت گرفته است که در این بخش به بررسی و مرور گزاره‌های نظری نظریه‌پردازانی چون "کوپن لینچ"، "جین جاکوبز"، "ویلیام وایت"، "یان گهل" و "ریچارد سنت" پرداخته می‌شود.

"کوپن لینچ" بیشتر به خاطر کتاب تأثیرگذارش «تصویر شهر» شناخته می‌شود. در این کتاب، لینچ به نحوه تجربه و مسیریابی افراد در محیط‌های شهری می‌پردازد و بر اهمیت ایجاد مناظر منسجم و به یاد ماندنی در شهرها تأکید می‌کند (Lynch, 1964). یکی از مشهورترین اظهارات لینچ در مورد منظر شهری این ادعاست که "شهر خوب شهری است که تصویری قوی داشته باشد". منظور او این است که یک شهر باید دارای نشانه‌های مشخص، مناظر خیابانی و سایر عناصری باشد که آن را به راحتی قابل تشخیص و به یاد ماندنی می‌کند. وقتی شهری دارای وجهه قوی باشد، عبور و مرور در آن برای مردم آسان‌تر می‌شود و همچنین حس غرور و دل‌بستگی را در بین ساکنان ایجاد می‌کند (Lynch, 1995). لینچ همچنین معتقد بود که منظر شهری باید با در نظر گرفتن نیازهای انسان طراحی شود. او استدلال کرد که شهرها باید قابل پیداه‌روی باشند، دارای فضاهای عمومی و امکانات رفاهی فراوانی باشند که تعامل اجتماعی و ساختن جامعه را تشویق می‌کنند (Lynch, 1984). وی همچنین بر اهمیت ایجاد محله‌هایی با کاربری‌های ترکیبی مانند مناطق مسکونی، تجاری و تفریحی به منظور ارتقای تنوع و سرزندگی تأکید می‌کرد (Taylor, 2009).

"یان گهل" یک معمار و طراح شهری دانمارکی است که به خاطر کارهای تأثیرگذارش در ایجاد شهرهای دوستدار مردم شهرت دارد. او چندین کتاب در این زمینه نوشته است، از جمله "زندگی بین ساختمان‌ها" و "شهرها برای مردم" که به زبان‌های بسیاری ترجمه شده‌اند و بر طراحی مناظر شهری در سراسر جهان تأثیر گذاشته‌اند (Gehl, 2013). نظر گهل در مورد منظر شهری این است که باید به گونه‌ای طراحی شود که نیازها و خواسته‌های مردم نسبت به نیازها و خواسته‌های خودروها یا سایر روش‌های حمل و نقل در اولویت قرار دهد (Gehl & Svarre, 2013). گهل استدلال می‌کند که مقیاس انسانی باید در مرکز طراحی مناظر شهری قرار گیرد و ساختمان‌ها و فضاهای عمومی برای ایجاد حس صمیمیت و ارتباط بین مردم طراحی شوند (Matan & Newman, 2016).

با توجه به ماهیت چند بعدی موضوع منظر شهری در این مطالعه با نگاه تخصصی و کارشناسی معماری و اهمیت مقیاس انسانی بر ادراک مخاطب به ارزیابی مناظر شهری بم در مقیاس خرد و میانی پرداخته شد. یکی از بخش‌ها و عرصه‌های مهمی که در ارتباط با زیبایی و مطلوبیت مناظر شهری تأثیر بسیار زیادی دارد، نمای بناها و نحوه‌ی طراحی آن است که به عنوان پوسته‌ی ظاهری و اولیه بنا در شهرها ظاهر می‌شود. نما و طراحی آن در حوزه‌ی مطالعاتی رشته معماری بوده که در ادامه به مرور گزاره‌های نظری مهمترین نظریه‌پردازان در حوزه نما و کیفیت آن پرداخته می‌شود.

"لئون باتیستا آلبرتی"، معمار و محقق ایتالیایی قرن پانزدهم، علاقه زیادی به طراحی شهری و محیط ساخته شده داشت. او معتقد بود که یک منظره شهری با طراحی خوب باید «میهمانی برای چشم‌ها» باشد (Alberti, 1991). با معماری زیبا، فضاهای عمومی با دقت برنامه‌ریزی شده و خیابان‌هایی که به راحتی می‌توان در آنها پیمایش کرد (Alberti, 1983). او استدلال کرد که چیدمان یک شهر باید بر اساس اصول هندسی، با خیابان‌های مستقیم، بلوک‌های مستطیلی و ساختمان‌هایی باشد که به صورت شبکه‌ای چیده شده‌اند (Grafton, 2002). او همچنین معتقد بود که نمای ساختمان‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که منظره‌ای زیبا از نظر زیبایی‌شناسی با سبک‌های مختلف معماری و عناصر تزئینی ایجاد کنند (Alberti, 1992). آلبرتی همچنین معتقد بود که منظره شهری زیبا می‌تواند الهام بخش ساکنان آن باشد و حس غرور مدنی را ترویج دهد (Alberti, 1996).

"کریستوفر رن"، معمار مشهور انگلیسی که بیشتر به خاطر طراحی کلیسای جامع "سنت پل" در لندن شناخته شده است، هیچ نظر مستقیمی در مورد مناظر شهری به خودی خود به جای نگذاشت. با این حال، طرح‌ها و نوشته‌های او بینش‌هایی را

در مورد دیدگاه‌های او در مورد شهرسازی و معماری ارائه می‌دهد (Doyle, 2007). رن معتقد بود که شهرها باید با در نظر گرفتن زیبایی و عملکرد طراحی شوند، او طرفدار معماری کلاسیک بود که بر تقارن، تناسب و نظم تأکید دارد (Darn & Mark, 1981). او اغلب در طرح‌های خود از فضاهای عمومی بزرگ مانند میادین و پارک‌ها استفاده می‌کرد که قرار بود همه افراد جامعه از آنها لذت ببرند (Bennett, 1975). علاوه بر این، رن اهمیت انطباق با نیازها و شرایط در حال تغییر را تشخیص داد، رن معتقد بود «معماری ابدیت را هدف می‌گیرد»، اما او همچنین می‌دانست که ساختمان‌ها و شهرها باید در طول زمان تکامل یابند، تا نیازهای متغیر ساکنان خود را برآورده کنند (Bennett, 1972). به طور کلی، در حالی که کریستوفر رن به صراحت در مورد مناظر شهری اظهار نظر نکرد، میراث او به عنوان یک معمار و شهرساز نشان دهنده تعهد او به ایجاد شهرهای زیبا، کاربردی و سازگار است که نیازهای شهروندان خود را برآورده می‌کند.

از "لویی سالیوان" معمار مشهور آمریکایی و «پدر مدرنیسم» اغلب نقل می‌شود که می‌گوید: «فرم همیشه از عملکرد پیروی می‌کند» با این حال، او در مورد مناظر شهری نیز نظریه‌پردازی می‌کرد (Manieri-Elia, 1996). سالیوان در مقاله‌اش «ساختمان اداری بلند که از نظر هنری در نظر گرفته می‌شود» در مورد اهمیت طراحی بناهایی نوشت که با محیط شهری خود هماهنگ باشند (Abbott, 2000). او معتقد بود که یک ساختمان نه تنها باید در خدمت هدف عملی خود باشد، بلکه باید به زیبایی‌شناسی کلی منظر شهری نیز کمک کند (Crook, 1967). سالیوان از گرایش در زمان خود به سمت نماهای تزئینی که به نظر او از عملکرد ساختمان جدا شده بود انتقاد داشت (Schleier, 2002). او از رویکرد صادقانه‌تری برای طراحی دفاع می‌کرد، جایی که نمای بیرونی ساختمان ساختار و هدف داخلی آن را بیان می‌کرد؛ او معتقد بود که این منجر به یک محیط شهری منسجم تر و هماهنگ تر می‌شود (Bentel, 1994). به طور خلاصه، سالیوان معتقد بود که طراحی یک ساختمان نباید از محیط اطراف جدا شود، بلکه باید در بافت وسیع‌تر منظر شهری ادغام شود و به زیبایی و عملکرد کلی محیط ساخته شده کمک کند.

"لوکوربوزیه" از پیشگامان معماری و شهرسازی مدرن، نظری قوی در مورد نماهای شهری داشت (Samuel, 2010). او معتقد بود که شهرها نیاز به بازسازی دارند تا کارایی، عملکرد و بهداشت را به زیبایی و تزئینات ترجیح دهند (Cohen, 2006). برای لوکوربوزیه، مناظر شهری فقط در مورد زیبایی ساختمان‌ها یا خط افق نبود، بلکه بیشتر به ایجاد فضاهایی بود که بهره‌وری را تشویق می‌کرد و کیفیت زندگی را برای ساکنان بهبود می‌بخشید (Flint, 2014). او استدلال کرد که شهرها باید با فضاهای باز بزرگ و مناطق سبز طراحی شوند و ساختمان‌ها باید حول محور مرکزی سازماندهی شوند تا نور خورشید و تهویه به حداکثر برسد (Samuel, 2007).

"رابرت ونتوری" معمار و نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، به دلیل دیدگاه‌هایش در مورد پیچیدگی بصری معماری و طراحی شهری شناخته شده است (Venturi et al., 1977). او در کتاب «یادگیری از لاس وگاس» که با همکاری دنیس اسکات براون و استیون ایزنور تألیف کرد، درباره مناظر شهری اظهار نظری کرد که در این زمینه به شهرت رسیده است، او بیان کرد: "من عناصری را دوست دارم که ترکیبی هستند تا "خالص"، سازش‌کننده به جای "تمیز"، ... سازگار به جای حذف ... ارث بری به جای رد ... متعارف به جای طراحی ... مبهم بیان شده ... ضمنی به جای صریح ... معمولی به جای نادر ... ناقص به جای کلی ... این متن، نظر او را منعکس می‌کند که شهرها باید به گونه‌ای طراحی شوند که انواع سبک‌ها و فرم‌های بصری را در خود جای دهند، نه اینکه اصول طراحی یا ایدئولوژی‌های دقیق را رعایت کنند (Venturi & Brown, 2004). ونتوری معتقد بود که شهرها باید در طول زمان به طور ارگانیک تکامل یابند و سبک‌های جدید و متفاوتی را در هنگام ظهور در خود بگنجانند (Gold et al., 2019).

چندین ایده مهم در مورد کیفیت مناظر شهری از نظریات نظریه‌پردازان مطرح شده در ادبیات تحقیق استخراج گردید که می‌توان به آنها توجه کرد، تمامی گزاره‌های نظری که از نظریه‌پردازان مورد بررسی در این مطالعه گردآوری شد در حول محورهای زیبایی، کارکرد، پیوستگی و ادغام با متن و استفاده از عناصر شاخص و نمادهای محلی می‌باشد.

ایجاد مناظر منسجم و به یاد ماندنی در شهرها فرآیندی پیچیده است که مستلزم بررسی دقیق عوامل مختلف است. در اینجا چند ایده مهم وجود دارد:

وضوح مفهومی: یک مفهوم واضح یا چشم انداز طراحی برای منظره برای ایجاد یک فضای منسجم و به یاد ماندنی ضروری است. این می تواند شامل استفاده از یک تم، طرح رنگ یا موادی باشد که عناصر مختلف منظره را به هم گره می زند (Janson & Tigges, 2014)؛

کارکرد: منظر باید به گونه ای طراحی شود که نیازهای کاربرانش را برآورده کند، خواه فضایی برای تفریح، حمل و نقل یا اهداف دیگر فراهم کند. عملکرد منظره نیز باید در طراحی کلی آن ادغام شود (Motloch, 2000)؛

مقیاس و نسبت: اندازه و مقیاس عناصر منظره باید به دقت در نظر گرفته شود تا از ترکیب هماهنگ و متعادل اطمینان حاصل شود. ساختمان ها یا سازه های بزرگ می توانند عناصر کوچک تر منظر را تحت تأثیر قرار دهند، در حالی که ممکن است عناصر کوچک در مناظر بزرگ تر گم شوند (Lenzholzer, 2013)؛

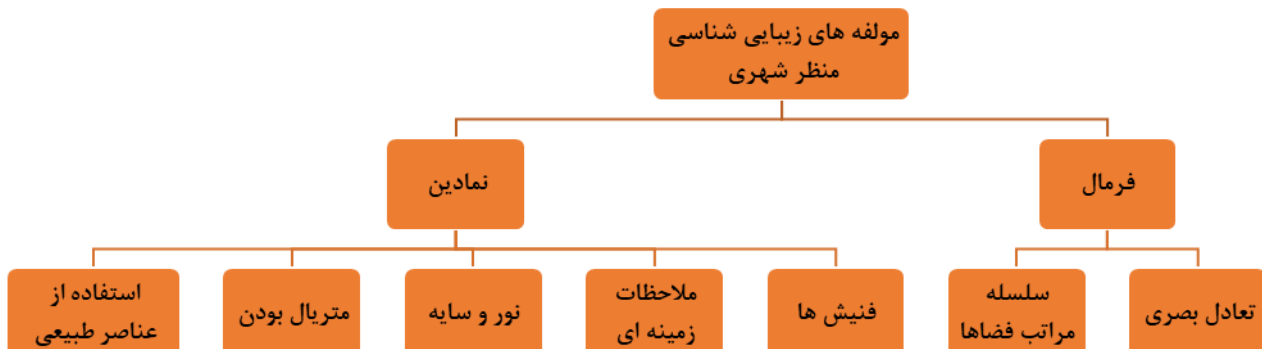
متریال بودن: مصالح مورد استفاده در منظره، مانند سنگفرش، دیوارها و کاشت ها، باید با دقت انتخاب شوند تا اطمینان حاصل شود که مکمل یکدیگر هستند و یک کل منسجم ایجاد می کنند و در انطباق با الگوهای اقلیمی - محیطی و فرهنگی فضای طراحی شده باشد (Nijhuis te al., 2019)؛

توجه به جزئیات: توجه به جزئیات در ایجاد یک منظره به یاد ماندنی بسیار مهم است. جزئیات کوچک مانند نورپردازی، تابلوها و هنر عمومی می تواند تجربه کلی فضا را افزایش دهد (Dee, 2001)؛

ادغام متنی: منظر باید به گونه ای طراحی شود که با بافت شهری وسیع تر خود، با در نظر گرفتن معماری، توپوگرافی و بافت فرهنگی یا تاریخی اطراف، تناسب داشته باشد (Murphy, 2016). به طور کلی، ایجاد یک منظر شهری منسجم و به یاد ماندنی نیازمند یک رویکرد متفکرانه و کل نگر است که هر دو جنبه عملی و زیبایی شناختی فضا را در نظر می گیرد.



شکل شماره (۱): مؤلفه های مؤثر بر زیبایی مناظر شهری (نگارندگان)



شکل شماره (۲): مدل مفهومی (نگارندگان)

■ روش تحقیق

قبل از پرداختن به معرفی روشها و مدل‌های مورد استفاده در تحقیق به معرفی مولفه‌های مورد استفاده در بخش ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر شهری خیابانهای منتخب در شهر بم پرداخته می‌شود، بعد از بررسی و مرور ادبیات تحقیق، گزاره‌های نظری از نظریات نظریه‌پردازان استخراج گردید که بر ماندگاری، توجه به جزئیات و استفاده از نماد، کارکردی بودن، انطباق با متن، انسجام، همگونی و ادغام اشاره کرده بودند که مولفه‌های تحقیق در ارتباط با مولفه‌های شناسایی شده انتخاب شدند که بدین صورت می‌باشند:

استفاده از عناصر طبیعی: طراحی باید از عناصر طبیعی مانند درختان، آب‌نماها و فضاهای سبز برای ایجاد حس مقیاس و نسبت و ایجاد محیطی در مقیاس انسانی استفاده کند.

تعالادل بصری: طراحی باید با استفاده از عناصر متناسب مانند ارتفاع ساختمان، فضای سبز و عرض خیابان به تعادل بصری دست یابد.

سلسله مراتب فضاها: طراحی باید سلسله مراتب فضاها مانند میدان‌های عمومی، خیابان‌های عابر پیاده، پارک‌ها و مناطق مسکونی را در نظر بگیرد و اطمینان حاصل کند که اندازه و تناسب مناسبی دارند.

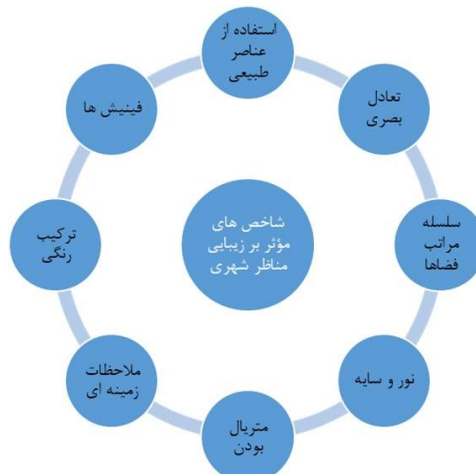
نور و سایه: نور و سایه نقش مهمی در درک عمق و سلسله مراتب فضایی در نمای ساختمان دارند. با قرار دادن عناصر استراتژیک برای ایجاد سایه‌ها و برجسته‌ها، طراحان می‌توانند حس عمق و علاقه بصری ایجاد کنند.

متریال بودن: انتخاب مصالح به کار رفته در نمای ساختمان می‌تواند تأثیر بسزایی در ظاهر کلی و سلسله مراتب فضایی آن داشته باشد. می‌توان از مواد مختلفی برای ایجاد بافت‌ها و رنگ‌های متضاد استفاده کرد که می‌تواند به تأکید بر برخی مناطق نما کمک کند.

ملاحظات زمینه‌ای: در نهایت، مهم است که در نظر گرفتن زمینه‌ای که نمای ساختمان در آن قرار می‌گیرد، منطبق باشد. محیط اطراف، ساختمان‌های مجاور و هنجارهای فرهنگی همگی می‌توانند بر طراحی نما و سلسله مراتب فضایی آن تأثیر بگذارند.

ترکیب رنگی: پالت رنگی به کار رفته در مناظر شهری و نماها می‌تواند حالات و احساسات مختلف را منتقل کند. رنگ‌های روشن می‌توانند ساختمان را سرزنده و پرانرژی نشان دهند، در حالی که رنگ‌های خاموش می‌توانند ظاهری پیچیده‌تر و ظریف‌تر ایجاد کنند.

فینیش‌ها: انتخاب پوشش‌هایی مانند رنگ، روکش و عناصر تزئینی می‌تواند تأثیر بسزایی در ظاهر نهایی نما داشته باشد. برای ایجاد ظاهری هماهنگ و یکدست باید به رنگ، بافت و انعکاس پوشش‌ها توجه کرد.



شکل شماره (۳): مولفه های مؤثر بر زیبایی مناظر شهری (نگارندگان)

با توجه به اهداف تحقیق، پژوهش حاضر از دو مطالعه تشکیل شده است و از روش تحقیق ترکیبی برای پیشبرد اهداف تحقیق بهره گرفته شده است، در فاز اول، تحقیق ماهیتاً توصیفی - تحلیلی بوده که به ارزیابی مولفه های زیبایی شناسی منظر شهری در خیابان های منتخب باغشهر بم پرداخته می شود و نتیجه ای که از این مرحله بدست می آید، در واقع نمایانگر وضعیت مولفه های مورد بررسی در خیابان های منتخب است و شناخت حاصل از این مرحله بنیانی برای پیشبرد هدف دوم تحقیق (شناخت و تحلیل عوامل و زمینه های پیدایش وضعیت موجود منظر شهری بم از نگاه و دیدگاه کارشناسان و متخصصین محلی) است، بنابراین با توجه به هدف دوم تحقیق، مطالعه دوم ماهیت تحلیلی دارد. در مطالعه اول، مولفه های مورد بررسی از مطالعه و مرور ادبیات تجربی تحقیق بدست آمده است. اطلاعات و داده های لازم در این مرحله از نقشه های کاربری اراضی شهری و گزارش های تفصیلی طرح های توسعه ای شهری باغشهر بم و مشاهده میدانی محقق استخراج شده است که داده های مورد استفاده در مطالعه اول از شهرداری شهر بم و اداره راه و شهرسازی شهر بم تهیه شده است. بعد از مولفه سازی و کمی سازی داده های گردآوری شده، به ارزیابی تطبیقی مولفه ها در هر یک از خیابانهای مورد بررسی پرداخته شد که بدین منظور از مدل ویکور استفاده شد که در ادامه به تشریح فرآیند مدل پرداخته می شود:

مدل VIKOR

ویکور یک روش MCDM توافقی است که توسط آپریکوویچ و زنگ توسعه یافت (Wei, Lin:2008). که بر مبنای روش ال پی متریک^۱ توسعه یافته است.

فرمول شماره (۱)

$$L_{pi} = \left\{ \sum_{j=1}^n \left[\frac{w_i (f_j^* - f_{ij})}{f^* - f_j^-} \right]^p \right\}^{1/p}$$

$1 \leq p \leq +\infty; i = 1, 2, \dots, I.$ (Wei, Lin:2008).

• مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم گیری؛

• مرحله دوم: نرمال کردن ماتریس تصمیم گیری؛

فرمول شماره (۲)

$$r_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m X_{ij}^2}}$$

(Wei, Lin:2008).

• مرحله سوم: وزن دار کردن ماتریس نرمال؛

• مرحله چهارم: تعیین مقادیر بالاترین و پایین ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی؛ فرمول شماره (۳)

$$f_i^* = \max_j f_{ij}; \quad f_i^- = \min_j f_{ij} \quad (Wei, Lin:2008).$$

• مرحله پنجم: تعیین مولفه مطلوبیت (S) و مولفه نارضایتی (R)؛ فرمول شماره (۴)

$$S_j = \sum_{i=1}^n w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-}; \quad R_j = \max_i \left[w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-} \right] \quad (Wei, Lin:2008).$$

• مرحله ششم: محاسبه مقدار Q و رتبه بندی نهایی گزینه ها؛ فرمول شماره (۵)

$$Q_j = v \cdot \frac{S_j - S^-}{S^+ - S^-} + (1-v) \cdot \frac{R_j - R^-}{R^+ - R^-} \quad (Wei, Lin:2008).$$

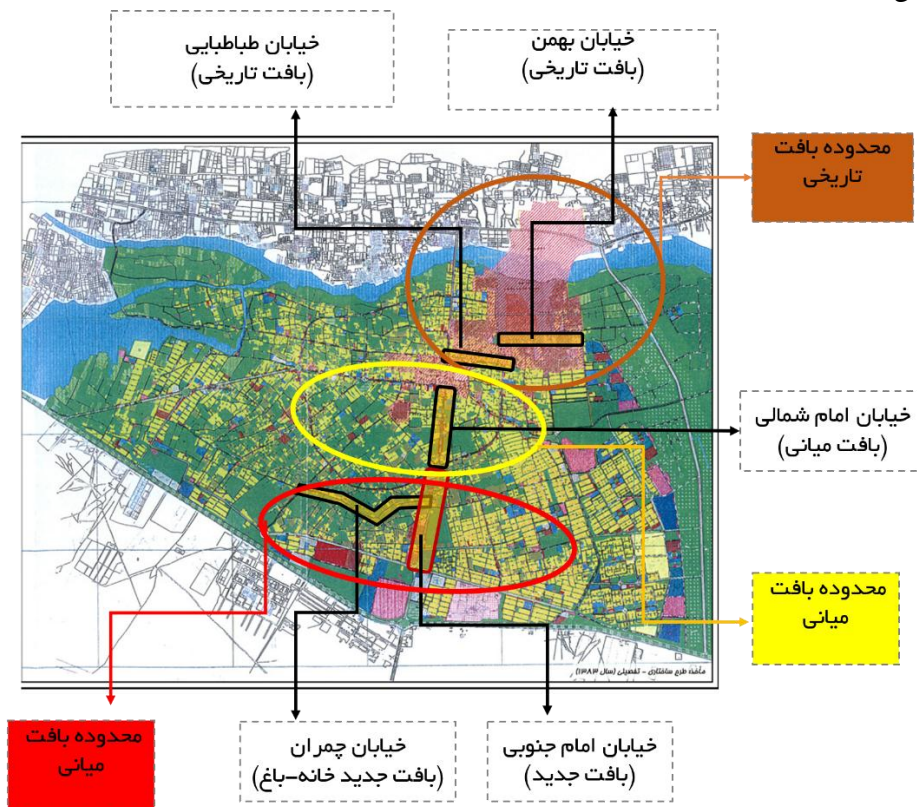
هنگام وزن دادن به معیارهای ارزیابی وضعیت مولفه های زیبایی شناختی منظر شهری در باغ شهر بم به نکات زیر توجه شده: برای به دست آوردن بینش در مورد اهمیت و ارتباط هر معیار، با تحقیقات، مطالعات و نظرات تخصصی موجود در مورد زیبایی شناسی منظر شهری از نظر اساتید راهنما و مشاور با توجه به شناختی که نسبت به شهرداری داشتند استفاده شده است. از سویی دیگر دیدگاه ها و اولویت های ذینفعان مربوطه مانند معماران منظر، شهرسازان، ساکنان محلی و بازدیدکنندگان باغ شهر بم در نظر گرفته شده است. در نهایت ویژگی ها و بافت منحصر به فرد باغ شهر بم از جمله جنبه های تاریخی، فرهنگی و بافت باغی و چگونگی ارتباط هر معیار با این عوامل مدنظر بوده است.

در مطالعه دوم تحقیق که بخش تحلیلی تحقیق را شامل می شود، به تحلیل عوامل مؤثر بر شکل گیری روند موجود منظر شهری بم پرداخته می شود که بدین منظور از مصاحبه نیمه ساختار یافته ای بهره گرفته شده است. در این بخش از تحقیق جامعه آماری شامل کارشناسان معماری، طراحی شهری و مدیریت شهری باغ شهر بم می باشند. برای نمونه گیری و تعیین حجم نمونه از روش های نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی و برای تعیین حجم نمونه از شاخص اشباع نظری نسب به نمونه گیری از جامعه پژوهش استفاده شد. در این راستا، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، چند نفر از کارشناسان و اساتیدی که سابقه سکونت و فعالیت در ارتباط با معماری و ساخت و ساز شهری در باغ شهر بم قبل از زلزله و بعد از آن را داشته اند انتخاب شدند و در روش گلوله برفی از افرادی که مورد پرسشگری قرار گرفته بودند، خواسته شد سایر افرادی را که در وضعیت مشابهی هستند و می توانند اطلاعات بیشتری ارائه بدهند، معرفی کنند و از آنها نیز پرسشگری به عمل آمد. نمونه گیری گلوله برفی یک روش نمونه گیری غیر احتمالی برای مواقعی است که واحدهای مورد مطالعه براحتی قابل شناسایی نباشند، در این روش محقق پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه گیری، از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه گیری استفاده یا کمک می گیرد (Etikan te al., 2016). این کار تا زمانی که محقق دریافت که اطلاعات دریافتی از طریق مصاحبه تکراری می باشند و به اطلاعات بیشتری نخواهد رسید ادامه پیدا کرد که اصطلاحاً در پژوهشات کیفی به آن شاخص اشباع نظری گفته می شود که در این مطالعه تعداد افراد مورد بررسی ۸ نفر می باشد، از مصاحبه شونده شماره ۶ پاسخ هایی که دریافت می شد، تکراری بودند، برای حصول اطمینان فرآیند پرسشگری تا ۸ ادامه یافت، همچنین برای کدینگ و استخراج عوامل از نرم افزار ATLAS TI بهره گرفته شد.

■ معرفی محدوده مورد مطالعه

باغ شهر بم در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است و یکی از شهرهای تاریخی با ساختار دفاعی در دل کویر لوت می باشد که دارای الگوی زیست و معماری - سازه ای منحصر به فردی می باشد و وجود ۴ اثر با ثبت جهانی و بزرگترین بنای خشتی جهان در این شهر، گواهی بر این واقعیت است که در اقلیم گرم و خشک کویر لوت با بهره گیری از سازه ها و مصالح بومی و خلاقیت معماران بومی و محلی، جذابیت معماری و سازه ای خاصی بر جای مانده است، تا زلزله سال ۱۳۸۲ نمونه ای بارز آن را در ارگ بم می شد، مشاهده کرد، با این اوصاف و تصویری که باغ شهر بم با عناصر طبیعی و سازه ای خود برجای گذاشته است، در این پژوهش ابتدا تمامی خیابان های شهر بم با توجه به ساختار شهری آن (بافت تاریخی، بافت تفکیک شده و نوساخته، بافت خانه - باغ) مورد ارزیابی و شناسایی قرار گرفته و خیابان ها براساس نوع خیابان (خیابان شهری، خیابان اصلی، بلوار، خیابان محلی و) دسته بندی شده اند و در ادامه کاربری ها و کارکردهای هر خیابان با توجه به مؤثر بودن عامل باغ در به وجود آمدن شاکله نمونه موردی پژوهش، به صورت باغی، باغی - مسکونی، باغی - مسکونی - تجاری، تجاری، مسکونی تعیین شد و سپس با تعریف ارائه شده که از مطالعه طرح تفصیلی و تحقیقات انجام شده در زمینه خیابان ها و عملکردهای آن به دست آمد، نوع کاربری هر خیابان مشخص گردید و در مرحله آخر پس از بررسی پژوهش های انجام گرفته، دلیل انتخاب خیابان های مورد مطالعه در هر یک از این پژوهش ها استخراج گردید و دلایل بدست آمده از پژوهش ها، معیاری برای انتخاب مسیرهای مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته است معیارها شامل ۱-

اهمیت بالای خیابان از نظر شریانی ۲- اهمیت بالای خیابان به دلیل قرارگیری ساختمان های تاریخی - مذهبی - اداری و تجاری مهم ۳- اهمیت بالا به دلیل قرار گیری در مسیرهای گردشگری ۴- استفاده اقشار مختلف مردم از خیابان ۵- آشفته گی و آلودگی بصری در نماهای ساختمان های حاشیه خیابان می باشند که از هر عملکرد یک خیابان که بیشترین فراوانی معیار انتخاب را داشتند به عنوان نمونه های منتخب جهت ارزیابی انتخاب شدند که موقعیت و اسامی ۵ خیابان منتخب در شکل شماره (۴) نمایش داده شده است.



شکل شماره (۴) موقعیت خیابان های مورد مطالعه در باغشهر بم (نگارندگان)

تحلیل یافته ها

در مطالعه اول، هر یک از خیابان های منتخب بر اساس مولفه های زیبایی شناسی منظر شهری: استفاده از عناصر طبیعی (a)، تعادل بصری (درصد) (b)، سلسله مراتب فضاها (c)، نور و سایه (d)، متریال بودن (e)، ملاحظات زمینه ای (f)، ترکیب رنگی (g)، فینیش ها (h) که در جدول شماره (۱) نمایش داده شده اند.

جدول (۱): ماتریس تصمیم گیری مولفه های مورد بررسی (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

اسامی خیابان ها	A	B	C	D	E	F	G	H
خیابان چمران	11	10	10	0	0	2	۲	۸۳
خیابان بهمن	3	6	6	3	0	0	۲	۱۰۰
خیابان طباطبایی	38	33	56	5	3	8	۲	۸۳
خیابان امام شمالی	115	62	107	4	2	10	۴	۸۲
خیابان امام جنوبی	61	35	77	4	3	18	۳	۹۳

ابتدا همه مقادیر ماتریس به توان ۲ رسانده و مجموع هر ستون جمع می‌گردد و سپس جذر مجموع هر ستون گرفته شده و در نهایت هر یک مقادیر بر جذر به دست آمده تقسیم می‌گردد که در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است.

جدول (۲): ماتریس تصمیم‌گیری نرمال شده (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

اسامی خیابان‌ها	A	B	C	D	E	F	G	H
خیابان امام شمالی	۰,۰۸۱	0.126	0/070	0/000	0/000	0/090	0/329	۰,۴۱۹
خیابان طباطبایی	0.022	۰,۰۷۶	0/042	0/369	0/000	0/000	0/329	0.505
خیابان بهمن	۰,۲۷۹	۰,۴۱۶	0/390	0/615	0/640	0/361	0/329	۰,۴۱۹
خیابان امام جنوبی	0.845	۰,۷۸۱	0/745	0/492	0/426	0/451	0/658	0.414
خیابان چمران	۰,۴۴۵	۰,۴۴۱	0/536	0/492	0/640	0/812	0/493	۰,۴۷۰

برای بیان اهمیت نسبی مولفه های مورد بررسی می‌بایست، وزن نسبی آن‌ها را تعیین کرد. در این پژوهش به منظور وزن‌دهی به مولفه های منتخب، پرسشنامه‌ای تدوین شد تا با استفاده از نظرات خبرگان این معیارها مقایسه زوجی شوند. در نهایت وزن مولفه ها بر اساس مدل AHP فازی محاسبه شد که به شرح جدول (۳) می‌باشد.

جدول (۳): وزن دهی مولفه های مورد بررسی (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

مولفه	A	B	C	D	E	F	G	H
وزن	۰,۲۱۱	۰,۱۶۳	۰,۱۱۹	۰,۰۹۱	۰,۰۴۲	۰,۰۵۱	۰,۲۵۸	۰,۰۶۶

جهت وزن‌دار کردن، مقادیر ماتریس نرمال هر یک از گزینه‌ها بر وزن مولفه ها ضرب می‌گردد. (جدول شماره ۴)

جدول (۴): ماتریس وزن‌دار شده (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

اسامی خیابان‌ها	A	B	C	D	E	F	G	H
خیابان امام شمالی	0/017	0/021	0/008	0/000	0/000	0/005	0/085	0/028
خیابان طباطبایی	0/005	0/012	0/005	0/034	0/000	0/000	0/085	0/033
خیابان بهمن	0/059	0/068	0/046	0/056	0/027	0/018	0/085	0/028
خیابان امام جنوبی	0/178	0/127	0/089	0/045	0/018	0/023	0/170	0/027
خیابان چمران	0/095	0/072	0/064	0/045	0/027	0/041	0/127	0/031

در این مرحله مطابق جدول شماره ۵، بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین عدد هر ستون تعیین می‌گردد. که منظور از بزرگ‌ترین عدد، یعنی عددی که بیشترین ارزش مثبت را داراست و کوچک‌ترین مقدار یعنی بیشترین ارزش منفی را دارد، بنابراین اگر مولفه مورد بررسی از نوع منفی باشد، بزرگ‌ترین عدد برعکس می‌شود، یعنی می‌شود کمترین مقدار و کوچک‌ترین مقدار می‌شود، بیشترین مقدار و بالعکس.

جدول (۵): تعیین مقادیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی مولفه ها (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

	A	B	C	D	E	F	G	H
F+	0/178	0/127	0/089	0/056	0/027	0/041	0/170	0/033
F-	0/005	0/012	0/005	0/000	0/000	0/000	0/085	0/027
(F+)-(F-)	0/174	0/115	0/084	0/056	0/027	0/041	0/085	0/006

در ادامه به تعیین مولفه مطلوبیت و نارضایتی پرداخته می‌شود، در این مرحله طبیعتاً برای گزینه‌ها به ازای هر معیار یک مولفه مطلوبیت به دست می‌آید که مجموع آن‌ها مولفه نهایی S_j گزینه‌ها را مشخص می‌کند. بزرگ‌ترین S_j هر گزینه به ازای هر مولفه، مولفه نارضایتی (R) آن گزینه می‌باشد که در جدول شماره (۶) نمایش داده شده است.

جدول (۶): ماتریس مولفه مطلوبیت و مولفه نارضایتی مولفه ها (خروجی نرم افزار اکسل براساس مدل ویکور)

اسامی خیابانها	A	B	C	D	E	F	G	H
خیابان امام شمالی	0/196	0/151	0/114	0/091	0/042	0/045	0/258	0/062
خیابان طباطبایی	0/211	0/163	0/119	0/036	0/042	0/051	0/258	0/000
خیابان بهمن	0/145	0/084	0/060	0/000	0/000	0/028	0/258	0/062
خیابان امام جنوبی	0/000	0/000	0/000	0/018	0/014	0/023	0/000	0/066
خیابان چمران	0/102	0/079	0/035	0/018	0/000	0/000	0/129	0/026

در مرحله نهایی به مرتب کردن راهکارها بر اساس مقادیر SI و RI و QI پرداخته می شود؛ رتبه خیابانهای مورد بررسی بر اساس مقدار QI سنجیده می شود، که مقدار آن از ۰ تا ۱ متغیر است و هرچه مقدار QI به عدد ۰ نزدیکتر باشد، وضعیت گزینه مورد بررسی مطلوبتر بوده و از رتبه بالایی برخوردار است و بر عکس هر چقدر مقدار بدست آمده به عدد ۱ نزدیکتر باشد، وضعیت گزینه مورد بررسی با توجه به مولفه های مورد بررسی چندان مطلوب نبوده و نسبت به گزینه های دیگر از رتبه پایینی برخوردار است. نتایج بدست آمده طبق جدول شماره (۷) نشان می دهد که به لحاظ مولفه های مورد بررسی خیابان امام شمالی در رتبه اول قرار دارد، خیابان امام جنوبی در رتبه دوم قرار گرفته است و خیابانهای بهمن، چمران و طباطبایی با توجه به مولفه های مورد بررسی در رتبه های بعدی قرار گرفتند.

جدول (۷): رتبه بندی خیابانهای مورد بررسی مورد مطالعه به لحاظ مولفه های زیبایی شناسی منظر شهری (خروجی نرم

افزار اکسل براساس مدل ویکور)

خیابان	SI	RI	QI	رتبه گزینه ها
خیابان چمران	0/960	0/258	1/00	۵
خیابان بهمن	0/880	0/258	0/95	۴
خیابان طباطبایی	0/638	0/258	0/81	۳
خیابان امام شمالی	0/121	0/066	0/00	۱
خیابان امام جنوبی	0/389	0/129	0/32	۲

بررسی و مشاهدات میدانی محقق از برخی مولفه های مورد بررسی نشان می دهد که در خیابانهای مورد مطالعه با توجه به مولفه سلسله مراتب فضایی، در هر دو خیابان امام شمالی (از میدان امام خمینی تا ۱۷ شهریور) و امام خمینی جنوبی (از ۱۷ شهریور تا میدان سرداران شهید) بیش از ۶۰ درصد جداره های شرقی و غربی دارای پیوستگی و مداومت هستند، ولی در خیابانهای بهمن، چمران و طباطبایی در هر دو جداره ی شمالی و جنوبی بیش از ۵۵ درصد ناپیوستگی مشاهده می شود که در مجموع دلیل این ناپیوستگی را می توان به اراضی بدون حصار و نما و گستردگی ساختمانهای بدون نما نسبت داد. به لحاظ متریکال بودن، با توجه به مطالعه میدانی محقق و تجزیه و تحلیل نقشه ی کاربری اراضی شهری باغشهر بم، می توان گفت حدود ۸۸ درصد از بناهای موجود در خیابانهای مورد بررسی، از یک نوع مصالح برای طراحی نما استفاده کرده اند. یکی دیگر از معیارهایی که در خیابانهای مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، تعادل بصری بود که این مولفه از نسبت ارتفاع خیابان به عرض آن بدست آمد که نسبت مطلوب تقریباً برابر ۱ به ۲ است، عرض تمامی خیابانهای مورد مطالعه متغیر می باشد، عرض خیابان چمران ۱۶ متر، خیابان بهمن ۱۵ متر، خیابان طباطبایی ۲۴ متر، خیابان امام خمینی (۱) ۳۰ متر و خیابان امام خمینی (۲) ۳۶ متر محاسبه شده است، با توجه به اینکه تمامی خیابانهای مورد بررسی تراکم پایینی داشته و توزیع تراکم و طبقات بنا در تمامی خیابانهای مورد بررسی تقریباً یکنواخت می باشد (خیابان چمران حدود ۷۷ درصد یک

طبقه، خیابان بهمن حدود ۱۰۰ درصد یک طبقه، خیابان طبابایی ۸۶ درصد دو طبقه، خیابان امام (از میدان امام تا میدان ۱۷ شهريور) ۵۹ درصد دو طبقه و خیابان امام (از میدان ۱۷ شهريور تا میدان سرداران شهيد)، ۴۵ درصد دو طبقه و ۴۱ درصد یک طبقه. با این اوصاف، در تمامی خیابان‌ها ناظری که در پیاده رو قرار دارد، در مجموع بدنه و خط آسمان سمت دیگر خیابان را درک می‌کند، اختلاف شدید طبقاتی در کل خیابان‌ها مشاهده نمی‌شود. ترکیب رنگی و تنوع رنگی نماها و جداره‌ها یکی دیگر از مؤلفه‌های مورد بررسی بوده که در سطح خیابان‌های باغشهر بم بررسی شد، بغیر از جداره‌های خیابان بهمن، تمامی خیابانها در طراحی نمای خود از ترکیبات رنگی متنوعی استفاده کرده‌اند، بویژه خیابان‌های امام شمالی و جنوبی که بیشتر ماهیت تجاری و اقتصادی دارند، برای جذابیت بیشتر از ترکیبات رنگی مختلفی استفاده کرده‌اند. بررسی فینیش‌بودن نمای بناها در سطح خیابانهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که خیابان چمران و خیابان امام خمینی شمالی بیشترین تعادل و هماهنگی از نظر تمیزی، بافت و انعکاس را در بین خیابان‌های مورد مطالعه داشته است و از سویی دیگر با توجه به گستردگی و توزیع بناهای فرسوده و بی‌کیفیت در راسته خیابان بهمن، می‌توان گفت حدود ۵۰ درصد از نمای بناهای این راسته به لحاظ مولفه فینیش بودن از کیفیت نامطلوبی برخوردار بوده است، در حالت کلی در خیابانهای مورد مطالعه، میزان فینیش بودن نمای بناها در باغشهر بم در حد متوسط بوده که برخی از بناهای جدید و نوسازی شده دارای پوشش مناسبی بوده و برخی دیگر از بناها فاقد نما، حصار و دیوار بوده و بعضی هم به علت فرسودگی از کیفیت نامناسبی برخوردار بوده‌اند که زیبایی بافت و منظر شهری را به چالش کشانده است. یکی از عینی‌ترین اجزای منظر شهری، رعایت ملاحظات زمینه‌ای است که در گذشت زمان و پیوند با عناصر محیط پیرامون و الگوهای فرهنگی و هویتی محل شکل می‌گیرد. یکی از چالشهای اساسی در خیابانهای مورد بررسی عدم توجه به ملاحظات زمینه‌ای در طراحی نماها و مناظر شهری بوده است که یکی از نمونه‌های بارز آن استفاده از نمای کلاسیک در طراحی نماها بناها می‌باشد که هیچ سنخیتی با ارزشهای محلی و الگوهای طراحی معماری شهر بم نداشته است که در اکثر خیابان‌های مورد بررسی منجر به عدم هماهنگی در منظره خیابان شده است. طراحی نمای نامتعارف و عدم همخوانی آن با محیط پیرامون که تصاویری از آن در جدول شماره (۸) نشان داده شده است، تکمیل کننده بناهای همسایه نبوده است که همین امر منجر به ظاهری از هم گسیخته شده و زیبایی‌شناسی کلی منطقه را مختل کرده است. عدم توجه به محیط پیرامون در برخی از خیابان‌های شهر بم، منجر به ایجاد بناهایی شده که با اقلیم و شرایط محلی خود سازگاری ضعیفی دارند. به عنوان مثال، طراحی نما بدون در نظر گرفتن جهت بنا منجر به افزایش حرارت بیش از حد شده و در نتیجه هزینه های انرژی بالاتری را به همراه داشته است در ارتباط با استفاده از عناصر طبیعی در طراحی منظر شهری شهر بم با وجود کاهش میزان استفاده از این عنصر حیاتی، نکته قابل توجه در شهر بم این است که در بسیاری از نقاط خط آسمان بناها در پیوند با عناصر سبز شکل گرفته است. به عبارتی، با بررسی خط آسمان در خیابان های مورد مطالعه، مشخص گردید که درختان نقش زیادی در شکل گرفتن خط آسمان در باغ شهر بم دارند و خط آسمان در خیابان‌های منتخب بیشتر بوسیله درختان شکل گرفته است. همچنین اختلاف ارتفاع فاحشی در هیچ یک از خیابان‌های مورد مطالعه به جز یک مورد در خیابان امام خمینی (از میدان امام خمینی تا میدان سرداران شهيد)، ارتفاع زیاد مسجد جامع نسبت به بناهای اطراف آن، مشاهده نشد و همچنین عقب نشینی هم در یک محدوده از همین خیابان وجود دارد که باعث شکستگی در یک نقطه از خط آسمان شده است، اما می‌توان گفت که خط آسمان در بیشتر جداره‌های مورد مطالعه، هماهنگ و متعادل است. یکی از چالشهایی که در ارتباط با طراحی منظر شهری بم در بین خیابانهای مورد بررسی بیشتر به چشم می‌خورد عدم توجه به عنصر نورپردازی و سایه می‌باشد. همانطور که توجه به نور و سایه در طراحی ساختمان های فردی مهم است، در چشم انداز کلی شهری نیز بسیار مهم است. استفاده از نور و سایه می‌تواند به ایجاد حس مکان و هویت در یک شهر یا شهرک کمک کند. برای مثال، با وجود نشانه‌های محدود معماری محلی و بومی در شهر بم از این عنصر برای ایجاد تصویری زیبا و برجسته برای نمایش عناصر طبیعی (نخلها) و دیوارها و حصارهای گلی استفاده نشده است و به نوعی جذابیت‌های محدود معماری در حاشیه خیابان‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند، عدم نورپردازی و

سایه‌پردازی در سطوح خیابان عمق و بافت را از مناظر خیابانی و نماهای شاخص بومی گرفته و ناظران را از داشتن تجربه‌ی جذاب و پویا محروم کرده است. از سویی دیگر، گسترده‌ی نماهای مسکونی یکنواخت و نیمه‌تمام در برخی از جداره‌ها محیط و منظر شهری مسطح و بدون الهامی را در نقاط مختلف شهر به تصویر کشیده است. جدول شماره (۸) نمایی از برخی مؤلفه‌های مورد بررسی نشان داده شده است.

جدول شماره (۸): نمایی از برخی مؤلفه‌های مورد بررسی در خیابان‌های مورد بررسی (باغشهر بم) (نگارندگان)

 عدم همخوانی متریاها، عدم هماهنگی و پیوستگی مصالح	 استفاده از نمای رومی غیرمتعارف	 استفاده از نمای رومی غیرمتعارف
 نازیبایی ناشی از وجود نماها و بناهای نیمه تمام در سطح شهر	 زیبایی ناشی از حفظ عناصر طبیعی و نخلها در جداره‌ها	 فاقد نما بودن بناها، آشفتگی بصری به علت تابلوها و آفتاب زدگی آنها
 وجود دیوارهای کاهگلی در سطح شهر و توجه به معماری بومی	 عدم بهره‌گیری از عناصر طبیعی در منظر شهری و در حاشیه ماندن آنها	 استفاده از حصارهای نامتعارف
 آلودگی بصری ناشی از تابلوها و دیوار نگاره‌ها	 عدم رعایت ریتم و پیوستگی	 عدم رعایت ریتم و پیوستگی

شناخت و تحلیل ساز و کارهای دخیل در وضعیت موجود منظر شهری بم

در مطالعه دوم تحقیق به شناخت و تحلیل عوامل دخیل در وضعیت موجود منظر شهری بم پرداخته شد، با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعه‌ی نخست تحقیق، شناخت و بنیان لازم برای پیشبرد مطالعه‌ی دوم تحقیق بدست آمد و تصویری از وضعیت مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی منظر شهری در خیابانهای مورد مطالعه ارائه گردید. شناخت عوامل دخیل در وضعیت موجود منظر شهری از نگاه کارشناسان و متخصصین محلی که دانش و آگاهی فنی و تاریخی لازم را در ارتباط با الگوی معماری و شهرسازی باغشهر بم را دارند، می‌تواند در شناخت نقاط ضعف، قوت و فرصتهای بهبود کیفیت منظر شهری بم بسیار کارساز باشد؛ در این مرحله از تحقیق از نظر ۸ کارشناس محلی با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته بهره گرفته شد که در جدول شماره (۹) به برخی از نظرات نمونه‌های منتخب اشاره شده است.

جدول (۹): نمونه‌ای از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها (نگارندگان)

مصاحبه‌شونده	متن مصاحبه	کدگذاری اولیه
۱	این که افراد در ساخت نمای بناها به صورت سلیقه ای عمل می کنند ، یکی از مهمترین چالش هاست. نبود یک سری قوانین خاص که افراد در صورت ساخت ملزم به رعایت آن ها باشند، ساخت نماهای متناسب با اقلیم، یکسان سازی کد ارتفاعی پنجره‌ها و موارد دیگر که می‌تواند قدمی مهم در جهت زیباسازی فضای شهری باشند.	سلیقه‌ای بودن نماها، فقدان قوانین خاص در ارتباط با نماسازی، توجه به عامل اقلیم در نماسازی و تبدیل به تبصره قانونی نشدن، هماهنگی ارتفاع پنجره‌ها،
۳	در طی ساخت و ساز اتفاقی که افتاده اینه که حداقل از نظر من الگوهای بومی و حتی اون چیزی که قبل از زلزله رایج بود ناخواسته و به یکباره نادیده گرفته شد و تمام سمت و سو رفت به سمت مصالح نو ، سبک های جدید مثلا نماهای رومی جدید و سبک های غیر بومی ، انواع سفال‌ها را به صورت رنگی دیدیم و آن چیزی که بود کاملاً متحول شد. شاید به دلیل اینکه حجم تخریب آنقدر زیاد بود که ما به یکباره تمام آن الگوهای قبلی را از دست دادیم به دلیل اینکه برای ما رایج نیست که حتی معماری معاصر که مربوط به ۵۰ سال گذشته‌ام بوده را مستند سازی کنیم به همین دلیل بعد زلزله تقریباً تمام الگوهایی بود که در شهرهای دیگه رواج داشت به واسطه حضور اون نهادهایی که متولی بودن هم تاثیر گذار بود این ها باعث شد که روند قبلی واقعا اتفاق نیفته و یک تغییر اساسی در شهر صورت بگیره.	از بین رفتن الگوهای بومی در روند طراح، تغییر الگوی ساخت و ساز بعد از زلزله، شکل‌گیری سبکهای جدید و ناآشنا با محیط شهری بم، گستردگی حجم تخریب زلزله و تأثیر آن بر منظر شهری بم، عدم مستندسازی الگو و سبک معماری قدیمی و سنتی، الگوبرداری نادرست از الگوی ساخت و ساز شهرهای دیگر.
۵	ببینید ما بیشتر از اینکه چالش داشته باشیم مشکل داریم مسئله اینه که اکثر نماهایی که ما داریم برنامه ریزی نشده است، یعنی ما برنامه مدونی برای سیمای شهر بم نداریم که بخوایم مبنایی را براش تعریف کنیم، بخاطر همین بعد این مسئله نما یک بخشیش گره خورده به اقتصاد و زندگی مردم؛ ما اکثراً در سطح شهر نماهایی را میبینیم که حتی الگو و مصالح بکار برده مصالح سفت کاریه در واقع حتی به مرحله نازک کاری نرسیده و رها شده یعنی	عدم برنامه ریزی برای نماها، عدم تدوین برنامه برای سیمای شهر، تأثیر مشکلات اقتصادی بر منظر شهری و نماسازی، نیمه تمام ماندن نماها، نبودن الگوی مشخص برای نماسازی و استفاده از مصالح

	بخشی از سیمای شهر ما را ساختمان هایی تشکیل می دهند که اصلا فاقد نما و در مرحله سفت کاری باقی مانده و اصلا نازک کاری نرسیده که بخش زیادی از سیمای شهر را تشکیل می دهد که خیلی نازیباهست یک بخش دیگه ساختمان هایی تشکیل میدهند که نما کار شده ولی از اونجایی که ما در واقع الگویی برای طراحی نداریم مصالح مختلف رنگ های مختلف ،تکنیک های مختلف اومده اجرا شده و خیلی نابسامانه آن چیزی که در حال حاضر شاهدش هستیم.	
--	--	--

بعد از بررسی و پیاده کردن متن های مصاحبه از فایل صوتی و انسجام دهی به آنها با همکاری دو کدگذار، به استخراج کدهای اولیه و غربالگری کدهای مشابه پرداخته و کدگذاری ثانویه صورت گرفت که در فرآیند کدگذاری ثانویه به تعدیل، ادغام کدهای مشترک و حذف کدهای تکراری پرداخته شد. در نهایت از کدهای ثانویه، مفاهیم و مؤلفه های مؤثر در شکل گیری و تداوم وضعیت موجود منظر شهری شناسایی گردید که نتایج در جدول (۱۰) ارائه شده است. قابل ذکر است، در فرآیند کدگذاری و استخراج مفاهیم از نظرات کارشناسان و متخصصینی که در فرآیند مصاحبه و پرسشگری شرکت کرده بودند، استفاده شد و از این طریق به ارتقای سطح پایایی نتایج مصاحبه پرداخته و نتایج قابل اطمینانی تولید گردید.

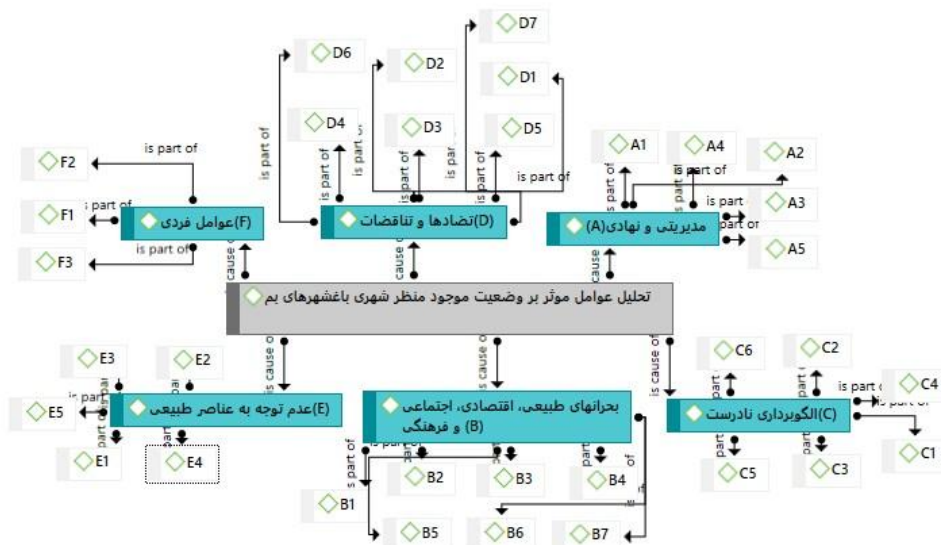
جدول (۱۰): مقوله های شناسایی شده (نگارندگان)

ردیف	مؤلفه	کد	منبع کد
۱	مدیریتی و نهادی (a)	فقدان قوانین خاص در ارتباط با نماسازی (a1) عدم توجه به عامل اقلیم در نماسازی (a2) عدم برنامه ریزی برای نماها (a3) عدم تدوین برنامه برای سیمای شهر (a4) نبودن الگوی مشخص برای نماسازی و استفاده از مصالح (a5)	۵ و ۶ و ۷ و ۳
۲	بحرانهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (b)	تأثیر مشکلات اقتصادی بر منظر شهری و نماسازی (b1) آثار روانی بعد از زلزله (b2) توجه به مسائل فنی و مقاومت بنا بجای تزئینات (b3) اولویت بندی نیازها بعد از مشکلات اقتصادی (b4) توجه به امنیت جانی به جای سلیقه و ... (b5) تغییر سبک زندگی بعد از زلزله (b6) توجه به سازه به جای فرم و منظر بعد از زلزله (b7)	۵ و ۷ و ۸
۳	الگوبرداری نادرست (c)	نبودن الگوی مشخص برای نماسازی و استفاده از مصالح (c1) از بین رفتن الگوهای بومی در روند طراح، تغییر الگوی ساخت و ساز بعد از زلزله (c2) شکل گیری سبک های جدید و ناآشنا با محیط شهری بم (c3) عدم مستندسازی الگو و سبک معماری قدیمی و سنتی (c6) الگوبرداری نادرست از الگوی ساخت و ساز شهرهای دیگر (c5) الگوبردای از سبک های مدرن و عدم توجه به الگوهای پست مدرن (c6)	۴ و ۲ و ۳ و ۷ و ۶
۴	تضادها و تناقضات (d)	داشتن الگوی همانند در ساخت و سازها، نداشتن تنوع در ساخت و ساز و شکل گیری نماها (d1) نبود هماهنگی و هارمونی اجزأ با ساختار شهری (d2)	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۷

	تغییر الگوی ساخت و ساز قبل و بعد از زلزله (d3) عدم انطباق و سنخیت مصالح با اقلیم منطقه (d4) استفاده از عناصر مدرن در نماسازی از جمله شیشه (d5) عدم انطباق رنگ نماها با کلیت منطقه (d6) عدم تطابق عناصر مصنوع با زیبایی‌های طبیعی شهر (d7)		
۵	عدم توجه به عناصر طبیعی (e) عدم بهره‌گیری از منظر باغ‌ها در زیباسازی شهری (e1) عدم توجه به جوی‌ها و مسیرهای آب و ساماندهی و پاکسازی این عناصر (e2) عدم توجه به ارتفاع نخلستان‌ها در تعریف خط آسمان (e3) تسلط خیابان‌ها و ماشین‌ها بر عناصر طبیعی و درختان (e4) جانمایی نامناسب معابر و خطر نابودی درختان (e5)	۱ و ۳ و ۵ و ۸	
۶	عوامل فردی (f) سلیقه‌ای بودن نماها (f1) تغییر اولویتها برای افراد (اولویت ساخت سریع و عدم توجه به نماها) (f2) فاقد نما بودن بسیاری از بناها در سطح شهر توسط مردم (f3)	۳ و ۵ و ۸ و ۱	

نتایج حاصل از مصاحبه و پرسشگری از متخصصان گویای این است که شهر بم به علت بحران طبیعی زلزله و به دنبال آن مشکلات اقتصادی و اجتماعی، تخریب شهر و بناهای سنتی که موجب شد مردم نسبت به معماری سنتی تصویر ذهنی بدی پیدا کنند و بیشترین توجه خود را در زمان ساخت به سازه و استحکام بنا دهند و به نما توجهی نداشته باشند و همچنین فوت استاد کاران سنتی و موجب شد تا این شهر به لحاظ منظر شهری با چالشهای جدی مواجه بوده است. نتایج نشان داد که چالش‌ها و عوامل اصلی نامطلوبی کیفیت زیبایی شناسی منظر شهری بم در ۶ گروه ۱-عوامل فردی مانند سلیقه ای بودن نماها، تغییر اولویتها برای افراد (اولویت ساخت سریع و عدم توجه به نماها) و فاقد نما بودن بسیاری از بناها در سطح شهر، ۲-قانونی و مدیریتی مانند فقدان قوانین خاص در ارتباط با نما سازی، عدم توجه به عامل اقلیم در نما سازی و تبدیل به تبصره قانونی نشدن، عدم برنامه ریزی برای نماها، عدم تدوین برنامه برای سیمای شهر، نبودن الگوی مختص برای نماسازی و استفاده از مصالح، ۳-بحرانهای اقتصادی و طبیعی و.. مانند تأثیر مشکلات اقتصادی بر منظر شهری و نماسازی، آثار روانی بعد از زلزله، توجه به مسائل فنی و مقاومت بنا بجای تزئینات، اولویت بندی نیازها بعد از مشکلات اقتصادی، توجه به امنیت جانی به جای سلیقه و ...، تغییر سبک زندگی بعد از زلزله، توجه به سازه به جای فرم و منظر بعد از زلزله، ۴-عدم توجه به عناصر طبیعی در ساماندهی مناظر شهری مانند عدم بهره گیری از منظر باغها در زیباسازی شهری، عدم استفاده از عنصر آب در زیباسازی مناظر شهری، توجه به جویهای و مسیرهای آب و ساماندهی و پاک سازی این عناصر، عدم توجه به ارتفاع نخلستانها در تعریف خط آسمان، نابودی فضاهای طبیعی در گذر زمان، تسلط خیابانها و ماشین ها بر عناصر طبیعی و درختان، جانمایی نامناسب معابر و خطر نابودی درختان، ۵-الگوبرداری های نادر ست مانند نبودن الگوی مشخص برای نما سازی و استفاده از مصالح، از بین رفتن الگوهای بومی در روند طراحی، شکلگیری سبکهای جدید و ناآشنا با محیط شهری بم، عدم مستندسازی الگو و سبک معماری قدیمی و سنتی، الگوبرداری نادر ست از الگوی ساخت و ساز شهرهای دیگر، الگوبردای از سبکهای مدرن و عدم توجه به الگوهای پست مدرن، ۶-تضاد و ناهماهنگی ها مانند دا شتن الگوی همانند در ساخت و سازها، ندا شتن تنوع در ساخت و ساز و شکلگیری نماها، نبود هماهنگی و هارمونی اجزا با ساختار شهری، تغییر الگوی ساخت و ساز قبل و بعد از زلزله، عدم انطباق و سنخیت مصالح با اقلیم منطقه، استفاده از عناصر مدرن در نما سازی از جمله شیشه، عدم انطباق رنگ نماها با کلیت منطقه، عدم تطابق عناصر مصنوع با زیبایی های طبیعی شهر که از نگاه کارشناسان مستخرج شدند، قرار می گیرند و ارتقای کیفیت منظر شهری منوط به برطرف کردن و از میان بردا شتن چالشهای یاد شده است. و بدین منظور راهکارهای دخیل در ارتقا کیفیت زیبایی شناسی منظر باغ شهر بم را در ۱-۱۲

استفاده معمار و طراح از پتانسیل ها و نیروهای حاکم بر محیط و سایت ۲- فرهنگ سازی و تغییر سلیقه مردم با الگو سازی های مناسب ۳- تدوین قوانین و ضوابط توسط نهادهای و یکپارچگی آنها ۴- توجه به صنعت ساختمان و مصالح ۵- ایجاد نهادهای نظارتی جهت کنترل قوانین و اجرای آن و ۶- تدوین ضوابط و قوانین جهت حفظ باغات و قنوات می دانند. که در شکل شماره (۵) نمودار درختی مؤلفه های شناسایی شده نشان داده شده است.



شکل شماره (۵): نمودار درختی مؤلفه های شناسایی شده (خروجی نرم افزار atlas ti)

تحقیق حاضر با توجه به اهداف تحقیق و ماهیت توصیفی-تحلیلی آن از دو مطالعه تشکیل شده است، در مطالعه اول تحقیق، به بررسی و ارزیابی مؤلفه های زیبایی شناسی منظر شهری ۵ خیابان منتخب باغشهر یم پرداخته شد که نتایج حاصل از این بخش نشان داد که در باغشهر یم به لحاظ معیارهای عینی زیبایی شناسی شهری، بین خیابان ها تفاوت آشکاری وجود دارد، البته سنجش نمونه ها بر اساس نسبت کاربری هایی که در راسته ها توزیع شده است، صورت گرفت، یافته های حاصل از ارزیابی مؤلفه ها، گویای این است که دو خیابان امام خمینی جنوبی و شمالی به لحاظ مؤلفه های زیبایی شناسی منظر شهری، وضعیت مطلوب تری دارند، ولی خیابان های بهمن، چمران و طباطبایی وضعیت چندان مطلوبی ندارند و تصویر چندان زیبا و ماندگار در ذهن مخاطبان ایجاد نمی کنند. بمنظور شناسایی علل شکل گیری وضعیت موجود منظر شهری یم در مطالعه دوم تحقیق به مصاحبه از کارشناسان و متخصصین محلی پرداخته شد. از نگاه کارشناسان و متخصصین، گسست از تاریخ و فرهنگ بومی مردم، بحران های اقتصادی، طبیعی و اجتماعی، عدم توجه به عناصر طبیعی، اعمال سلیقه های فردی در سایه نبود قانون و ضوابط نظارتی در نابسامانی منظر شهری باغشهر یم بسیار دخیل هستند و ارتقای کیفیت منظر شهری به برطرف کردن و اصلاح چالش های یاد شده منوط می باشد. پس از تجربه زلزله سال ۱۳۸۲ شهر یم، اثرات روانی عمیقی بر افراد و جوامع محلی داشته است. مردم محلی بعد از زلزله شهر یم احساس از دست دادن ایمنی، امنیت و ثبات کردند که بر رفاه و درک آنها از منظر شهری تأثیر گذاشته است. این اثرات روانشناختی بر ترجیحات طراحی معماری و زیبایی شناسی تأثیر گذاشته است. برای مثال، در این وضعیت مردم محلی به جای تمرکز صرف بر ملاحظات زیبایی شناختی، بر ساختمان ها و فضاهایی که حس ایمنی و انعطاف پذیری را ارائه می دهند، تأکید بیشتری کنند. بطور کلی، پس از بحران های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی، اغلب اولویت ها به سمت پرداختن به مسائل فنی و ایجاد مقاومت به جای تمرکز بر عناصر

تزئینی تغییر می‌کند. در زمان بحران، نگرانی اصلی تضمین ایمنی و یکپارچگی ساختارهای ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها است. بنابراین زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های تزئینی ممکن است در اولویت نباشند. گرچه اگر این امر به درستی مدیریت شود می‌تواند منجر به یک رویکرد مفیدتر و مینیمالیستی برای طراحی، با تأکید بر دوام و انعطاف پذیری شود. همه این‌ها نشان می‌دهد که بحران‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر چالش‌های زیبایی‌شناختی منظر شهری تأثیر بگذارند. با این حال، ایجاد تعادل بین پرداختن به نیازهای فوری و حفظ کیفیت زیباشناختی طولانی مدت محیط شهری مهم است.

یکی از چالش‌های اساسی دیگر که در ارتباط با طراحی نما و مناظر شهری بم به چشم می‌خورد، عدم توجه به نیازهای و ترجیحات مردم محلی در روند طراحی است، عدم توجه به نیازهای کاربران و الگوهای فرهنگی بومی در طراحی نماهای شهری تأثیر بسزایی در زیست پذیری و سرزندگی شهر بم داشته است. نمای ساختمان اغلب اولین نقطه تماسی است که افراد با یک ساختمان دارند و می‌تواند تجربه آنها از محیط اطراف را شکل دهد؛ بیشتر طرح‌های شکل گرفته شده در شهر بم با الگوهای فرهنگی محلی سنخیتی نداشته و منجر به ایجاد بناهایی شده است که با محیط اطراف همخوانی و چندان مورد استقبال جامعه محلی قرار نگرفته است. این می‌تواند منجر به عدم انسجام اجتماعی شود، چرا که مردم ممکن است احساس بیگانگی نسبت به ساختمان و محله اطراف کنند، نکته‌ای که "کریستوفر رن" بر آن تأکید داشت و وی معتقد بود که طراحی مناظر شهری باید کاربردی، سازگار و در عین حال زیبایی داشته باشد تا نیازهای کاربران و مخاطبان فضا را تأمین کند. در حالت کلی وضعیت مناظر شهری بم با توجه به مولفه‌های مورد بررسی چندان مطلوب نبوده است که به نوعی می‌توان گفت با توجه به تاریخ و پیشینه غنی معماری و فرهنگ شهر بم که نمونه‌ای بارز آن ارگ بم می‌باشد که نبوغ معماری این شهر را به تصویر می‌کشد، ولی مناظر شهری موجود از نظر زیبایی و سرزندگی چندان دلپذیر نبوده و از نظر عملکردی، فرهنگی و محیطی بازتاب‌کننده جامعه و الگوی بومی شهر بم نمی‌باشد.

چالش دیگر زیبایی‌شناختی منظر شهری بم تحت تأثیر عوامل اداری و نهادی از جمله ساختارهای حاکمیتی، سیاست‌ها و مقررات است. این عامل نشان می‌دهد که نحوه اداره شهر، سیاست‌ها و مقررات موجود و چارچوب نهادی کلی بر کیفیت زیبایی‌شناختی منظر شهری بم تأثیر گذاشته است که پرداختن به این عوامل اداری و نهادی می‌تواند به طور بالقوه چالش‌های زیبایی‌شناختی را کاهش دهد و به بهبود محیط شهری کمک کند. به عبارتی چالش‌هایی که در این رابطه در این تحقیق شناسایی شد می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- یکی از مشکلات مدیریتی و نهادی مرتبط با چالش‌های زیبایی‌شناختی منظر شهری شهر بم، نبود قوانین یا مقررات خاص حاکم بر نماسازی است. هنگامی که هیچ دستورالعمل روشنی وجود نداشته باشد، می‌تواند منجر به توسعه ناسازگار و تصادفی نماها در سراسر شهر شود. این فقدان مقررات منجر به عدم انسجام بصری منظر شهری بم شده است، در بیشتر خیابان‌های مورد مطالعه بناها با یکدیگر یا محیط اطراف هماهنگ نیستند. همچنین این چالش منجر به ساخت و ساز با کیفیت پایین و استفاده از مصالح نامناسب شده است که بر کیفیت کلی زیبایی‌شناسی منظر شهری تأثیر گذاشته است.

۲- مشکل دیگر عدم در نظر گرفتن فاکتور اقلیم در نماسازی است. شهر بم دارای اقلیم گرم و خشک است و در طراحی نما باید عواملی مانند نور خورشید، دما، باد و بارندگی در نظر گرفته شود. نادیده گرفتن این ملاحظات اقلیمی می‌تواند منجر به مصرف ناکارآمد انرژی، ناراحتی برای ساکنان و تأثیر منفی بر جذابیت بصری کلی شهر شود. برای مؤسسات و نهادهای مدیریتی مهم است که دستورالعمل‌هایی را ایجاد کنند که طراحی نمای پایدار و سازگار با آب و هوا را برای ارتقای کیفیت زیبایی‌شناختی و زیست‌پذیری منظر شهری ترویج کند.

۳- چالش دیگر عدم برنامه ریزی برای نماها در توسعه منظر شهری است. نماها نقش مهمی در شکل دادن به تجربه بصری یک شهر دارند. زمانی که توجهی به حفظ یا ارتقای نماها از نشانه‌ها، ویژگی‌های طبیعی یا دیگر عناصر

زیبایی‌شناختی نمی‌شود، می‌تواند منجر به از دست دادن علاقه بصری و یک محیط شهری یکنواخت شود. برنامه‌ریزی و هماهنگی مناسب بین مؤسسات، معماران و برنامه‌ریزان شهری برای اطمینان از محافظت از نماها و ادغام در فرآیند طراحی ضروری است و به ایجاد چشم‌انداز شهری جذاب‌تر کمک می‌کند.

مشکلات اقتصادی نیز می‌تواند تأثیر بسزایی بر منظر شهری و طراحی نما داشته باشد. در زمان بحران اقتصادی یا رکود، ممکن است کمبود سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه شهری وجود داشته باشد که منجر به بی‌توجهی یا تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها شود. منابع مالی محدود برخی ساکنین شهر بـم پس از زلزله منجر به تکمیل نشدن نماها در این شهر شده است که بر کیفیت کلی زیبایی‌شناسی منظر شهری تأثیر منفی گذاشته است. در چنین شرایطی، ملاحظات زیبایی‌شناختی ممکن است در اولویت‌های اقتصادی قرارگیرند و منجر به کاهش جذابیت بصری شهر شوند.

درارتباط با کد الگوبرداری نادرست از سبک‌های غربی و بیگانه در منظرشهری بـم باید گفت، عدم وجود مدلی خاص برای نماسازی و استفاده از مصالح غیربومی منجر به انتخاب‌هایی در طراحی در شهر بـم شده است که با چالش‌های زیبایی‌شناختی منظر شهری بـم همخوانی نداشته باشد. یکی از دلایل این امر، از بین رفتن الگوهای بومی در فرآیند طراحی و تغییر الگوی ساخت پس از زلزله به مشکلات مدل‌سازی نادرست کمک کرده است. که این امر منجر به از بین رفتن زیبایی‌شناسی منحصر به فرد منظر شهری و عدم تداوم فرهنگی در طراحی شود. همچنین یکی از چالش‌های جدی در ارتباط با کد شناسایی شده، عدم مستندسازی الگوها و سبک‌های معماری قدیمی و سنتی شهر بـم که باعث مشکلات مدل‌سازی نادرست منظر شهری بـم شده است. بدون مستندات مناسب، طراحان ممکن است به اطلاعات و دانش لازم برای گنجاندن عناصر معماری محلی در طرح‌های خود دسترسی نداشته باشند که این امر در شهر باعث از دست دادن میراث فرهنگی و بی‌توجهی به زیبایی‌شناسی منحصر به فرد منظر شهری شده است. زمانی که طراحان بدون در نظر گرفتن بافت خاص شهر بـم سعی در تکرار الگوهای ساخت و ساز شهرهای دیگر دارند، مدل‌سازی نادرست رخ داده است. این الگوبرداری نادرست در شهر بـم به ایجاد ساختمان‌هایی شده که برای آب و هوا، فرهنگ یا منظر محلی مناسب نیستند و باعث ایجاد عدم تطابق بین طراحی و محیط شهری شده است. یکی دیگر از مشکلاتی که باعث آشفتگی بصری از مدل‌سازی‌های نادرست ناشی شده، تمرکز انحصاری بر الگوبرداری ظاهری سبک‌های مدرن بدون در نظر گرفتن مدل‌های پست مدرن است. رواج این سبک منجر به عدم تنوع در بیان معماری و عدم پاسخگویی به نیازها و ترجیحات در حال تحول منظر شهری بـم شده است.

چالش دیگری که از متنهای مصاحبه استخراج گردید، عدم تنوع در الگوهای ساخت و شکل‌گیری نماها که یک منظر شهری یکنواخت و تکراری از خود در شهر بـم به نمایش گذاشته است که در آن همه ساختمان‌ها ظاهری مشابه دارند و منحصر به فرد نیستند. این ضعف باعث به عدم علاقه بصری شده و مانع توسعه یک محیط شهری پر جنب و جوش و پویا شده است. از سویی دیگر، در این رابطه عدم هماهنگی و همخوانی قطعات با ساختار شهری بـم چشم‌انداز نامنظمی از خود به تصویر کشیده است. در بیشتر قسمتهای شهر بناها بدون در نظر گرفتن بافت اطراف و بدون ادغام با بافت شهری موجود طراحی شدند. بخشی از این عدم هماهنگی به تغییر الگوی ساخت و ساز بعد از زلزله برمی‌گردد که به تناقضات و ناهماهنگی در منظر شهری کمک کرده است. بعد از زلزله شهر بـم، شیوه‌های طراحی و ساخت به طور ناگهانی به دلیل یک بلای طبیعی تغییر کرده است که عدم تداوم و انسجام در سبک‌ها و الگوهای معماری منظر شهر بـم را به رخ کشیده است. در ارتباط با عدم هماهنگی و تضادها و تناقضاتی که در منظر شهری بـم مشاهده می‌شود، این عناصر اثرگذار هستند:

استفاده از مصالح نامناسب با توجه به اقلیم منطقه مشکلات زیبایی را به همراه داشته است. به عنوان مثال، در شهر بـم با توجه به شرایط خاص آب و هوایی، استفاده از موادی که در برابر گرما مقاوم نیستند یا از نظر انرژی کارآمد نیستند، منجر به تخریب ساختمان‌هایی شده است که به سرعت خراب می‌شوند یا در دراز مدت پایدار نیستند. همچنین، استفاده از عناصر مدرن مانند شیشه بیش از حد در نماسازی بناهای شهر بـم بویژه در راسته‌های تجاری، تناقضاتی با چالش‌های زیبایی‌شناختی منظر شهری ایجاد کرده است. هنگامی که عناصر مدرن بدون در نظر گرفتن بافت معماری و محیط اطراف ترکیب

شوند، می توانند هماهنگی و انسجام بصری شهر را مختل کنند. به عنوان مثال، استفاده بیش از حد از شیشه می تواند تضاد کاملی با سبک های معماری موجود ایجاد کند و می تواند منجر به عدم یکپارچگی بصری شود. زمانی که عناصر مصنوعی مانند تابلوها، نورپردازی یا عناصر تزئینی با زیبایی طبیعی شهر ناسازگار باشند، می توانند تضادها و چالش های زیبایی شناختی ایجاد کند. به عنوان مثال، در شهر بم به خصوص در راسته های تجاری قرار دادن بیلبردهای بزرگ و سرزده، زیبایی طبیعی را راسته را کاهش داده و هماهنگی بصری منظر شهری را مختل کرده است. مهم است که تأثیر عناصر مصنوعی بر کیفیت کلی زیبایی شهر را در نظر گرفته شود و اطمینان حاصل شود که آنها به جای کاهش زیبایی طبیعی، زیبایی طبیعی را افزایش می دهند. عامل دیگر در ارتباط با تضادها و تناقضات منظر شهری بم، زمانی است که رنگ نماها با متراژ کلی مطابقت نداشته باشد. وقتی ساختمان ها دارای نمایی با رنگ هایی هستند که با محیط اطراف در تضاد هستند یا با پالت رنگ موجود هماهنگی ندارند، می تواند ناهماهنگی بصری ایجاد کند. عدم هماهنگی رنگ می تواند منجر به یک چشم انداز شهری نامطلوب و از هم گسیخته شود.

یکی از چالش های جدی منظر شهری بم عدم توجه به عناصر طبیعی در پرداختن به زیبایی مناظر شهری می باشد، در این رابطه بیشتر چالشها به نحوه مدیریت شهری برمیگردد، هنگامی که شهرها از گنجاندن باغ ها و فضاهای سبز در تلاش های زیباسازی شهری غفلت می کنند، می تواند منجر به کمبود عناصر طبیعی در منظر شهری شود. شهر همنانطور که در عنوان تحقیق اشاره شده است قبلاً به عنوان باغشهر شناخته شده و ثبت جهانی شده است، وجود باغ های نخل در این شهر قبلاً مزایای بی شماری از جمله بهبود کیفیت هوا، کاهش آلودگی صوتی و ایجاد جذابیت های زیبایی داشته است. آنها همچنین فرصت هایی برای فعالیت های تفریحی ارائه می دادند و به نوعی هویت شهر بم به شمار می آمدند. از سویی دیگر، نهرها و مسیرهای آبی نقش مهمی در منظر شهری از نظر زیبایی و عملکرد شهر بم داشتند که در ایجاد حس آرامش و به عنوان نقاط کانونی برای فعالیت های تفریحی نقش مهمی بازی می کردند. با این حال، زمانی که شهرها به این عناصر طبیعی توجه نکنند، ممکن است مورد غفلت و آلودگی قرار گیرند. که همین غفلت در شهر بم منجر به تخریب محیط شهری شده است و خطراتی برای سلامت و رفاه ساکنان ایجاد کند. برای شهرها سازماندهی مناسب و تمیز کردن نهرها و مسیرهای آبی برای اطمینان از حفظ آنها و به حداکثر رساندن مزایای بالقوه آنها در منظر شهری مهم است. ارتفاع نخلستان ها، یا خوشه های درختان، می تواند به طور قابل توجهی به کیفیت زیبایی منظر شهری کمک کند. در بیشتر قسمتهای شهر بم در نظر گرفتن ارتفاع نخلستان ها در تعیین خط افق غفلت شده، که باعث شده منظر شهری بم یک محیط شهری یکنواخت و از نظر بصری غیرجذاب شود. بطور کلی نادیده گرفتن ارتفاع نخلستان ها در طراحی منظر شهری بم به از دست رفتن فرصت ها برای افزایش جذابیت زیبایی شناختی و زیبایی کلی منظر شهری شهر بم را بدنبال داشته است. بخشی دیگر از عدم استفاده و توجه به عناصر طبیعی در شهر بم این است که خیابان ها و اتومبیل ها بر چشم انداز شهری تسلط دارند، عناصر طبیعی و درختان تحت الشعاع قرار گرفته و مورد بی توجهی قرار گرفته است. بنابراین، برای ایجاد یک محیط شهری متعادل تر و پایدار، اولویت بندی و ادغام عناصر طبیعی و درختان در برنامه ریزی و طراحی شهری مهم است تا اطمینان حاصل شود که آنها نادیده گرفته نمی شوند.

اولین راهکار پر کردن خلأهای قانونی و ضابطه مندی نماسازی و پرداختن به نما از سوی مدیریت شهری است که نیاز به سیاستگذاری و اصلاحات در مقیاس کلان دارد، مدیریت شهری در هر شهر با توجه به ویژگی های جغرافیایی، تاریخی و هویتی نوع مشخصی از نما را در نظر می گیرد، اما سلاقی و علایق متفاوت مالکان و معماران موجب شده تا آنها نوعی از نما را برای شهر و ساختمان ها اجرایی کنند که متناسب با طرح های از پیش تعیین شده نیست و همین امر به گسترده تر شدن اغتشاشات بصری دامن می زند، بنابراین باید اختیارات و خلأهای قانونی در ارتباط با اعمال سلیقه های متفاوت تنظیم و تصویب گردد، به همان نسبتی که به موضوعات تراکم و تغییرات کاربری پرداخته می شود، باید محدودیت ها و ضابطه مندی نماسازی و منظر شهری به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد؛ در ارتباط با برنامه ریزی مدیریت شهری و نظارت بر منظر

شهری، مدیریت شهری می‌تواند شهر را منطقه‌بندی کند تا از این طریق بتواند قوانین تعیین شده را اعمال کند و هم از مناطقی که دارای بافت و نشانه‌های تاریخی یا عناصر طبیعی ارزشمندی هستند، محافظت کند. یکی از نکات کلیدی که کارشناسان به آن اشاره کرده بودند، استفاده از الگوهای نادرست و غریبه در باغشهر بم، بویژه توسط نسل جدید بود که همین امر، برای شهری مثل بم که دارای فرهنگ و تاریخ و الگوهای معماری کهن و ناب است، سؤال برانگیز می‌باشد، فرهنگ سازی و تغییر ذائقه مردم در بخش معماری با توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تاریخی و معماری موجود در باغشهر بم، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند حیات تاریخی و هویت بومی شهر احیا کند و در ترجیحات و سلاطین مردم در ناسازی نمود پیدا کند، بنابراین شهروند و کاربران فضا باید معماری اصیل و هماهنگ با الگوی ساخت و ساز منطقه را بشناسند و سپس آن را طلب کنند در این صورت سطح خواسته‌های مردم افزایش می‌یابد که بیشتر کار فرهنگی و فرهنگسازی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی از ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی منظر شهری در باغشهر بم؛ می‌توان بیان کرد که باغشهر بم قبل از زلزله سال ۱۳۸۲ با بهره‌گیری از فرهنگ، تاریخ، پیمانکاران محلی، عناصر طبیعی، جوی‌ها و نخلستان‌ها دارای الگوی ساخت منحصر به فردی بوده است، ولی در حال حاضر با الگوی ساخت، مصالح بکار رفته و طراحی نماهای غیرمتعارف، این شهر دچار یک فراموشی فرهنگی شده است و به نوعی می‌توان گفت با زلزله بم یک انقطاع تاریخی با الگوی معماری و تاریخ و فرهنگ شهر بوجود آمد و به نوعی فراموش شده که بم کجاست و چه ویژگی‌هایی دارد، مردم این منطقه چگونه زندگی می‌کردند؟ برای مثال در خیابان‌های شهر بویژه در خیابان‌هایی با عملکرد تجاری و اقتصادی بیشتر الگوی معماری غربی و شبه مدرن به چشم می‌خورد؛ برای شهری مثل بم که به لحاظ ساختار شهری و عناصر طبیعی و بافت خاص خود به ثبت جهانی رسیده است، این تصویر مدرن و غریب جای بسی تأمل دارد برخلاف تصور رایج، نمای هر بنایی در هر بافت شهری، بخشی از حقوق عمومی و شهروندی جامعه شهری به حساب می‌آید که بدنبال خود بار مسئولیتی سنگینی را بر دوش سازندگان، مالکان و سرمایه‌گذاران بخش ساختمان می‌گذارد که پیگیری این مسئولیت اجتماعی از سوی مدیران شهری و سازمان‌های نظارتی بخش ساختمان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، ولی در تمامی شهرهای ایران و بویژه در باغشهر بم که به عنوان میراث ملی و جهانی به ثبت رسیده و دارای الگوی معماری و شهرسازی منحصر به فردی بوده‌است، رعایت حقوق شهروندی و عمومی یاد شده و پیگیری آن از سوی نهادهای نظارتی دچار غفلت شده است. با توجه به قدمت تاریخی این منطقه در نقاط مختلف باغشهر بم، بناهای تاریخی بسیاری با معماری مختص این خطه به چشم می‌خورد که به دلیل نبود نظارت درست، در کنار این بناها ساختمان‌های ناهمگون و غیرمتعارف ساخته شده است و یا بسیاری از بناها دارای حصار و دیوار نبوده و موجب شده تا منظر اکثر این خیابان‌ها هیچ تناسبی با هویت منطقه و شرایط اقلیمی آن نداشته باشد؛ ساخت و سازها تنها براساس سلیقه و نظر سازنده و طرح معمار بنا صورت گرفته است. عدم توجه به الگوهای معماری بومی، نوع اقلیم و عناصر با ارزش تاریخی و طبیعی و نگاه تک بعدی به بنا به عنوانی مکانی برای سکونت چالشی است که می‌شود با پرداختن تفصیلی و علمی به آن راهکارهایی برای رفع آنها ارائه داد که برای پژوهش‌های بیشتر در آینده پیشنهاد می‌شود.

پیشنهادهای

- ۱- تبیین اثرات تخصصی شدن فعالیت‌ها بر منظر و ساختار معماری فضاهای مجاور در باغ شهر بم
- ۲- بررسی میزان اثرگذاری رنگ و مصالح نما بر ارتقا کیفیت بصری ساختار معماری منظر باغشهر بم

پی‌نوشت

۱. LP-metric

فهرست منابع

- گلیایگانی، عبدالرضا، عینی فر، علیرضا، ۱۳۸۶، *گونه شناسی و راهنمای طراحی مسکن بم*، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
- عارفی، افروز، ۱۳۹۴، *نگاهی به باغ شهر ایرانی - اسالمی بم و مسائل آن*، اولین کنفرانس علمی - پژوهشی افق های نوین در علوم جیرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، ۲۵ الی ۲۶ مرداد.
- Abbott, J. R. (2000). *Louis Sullivan, architectural modernism, and the creation of democratic space*. The American Sociologist, 31(1), 62-85.
- Alberti, L. B. (1983). *L'architettura di Leonbatista Alberti*. Appresso Francesco Franceschi, Sanese.
- Alberti, L. B. (1991). *On the art of building in ten books*. Mit Press.
- Alberti, L. B. (1992). *De re aedificatoria* (Vol. 10). Ediciones Akal.
- Alberti, L. B. (1996). *De la pintura*. UNAM.
- Bennett, J. A. (1972). *Christopher Wren: The natural causes of beauty*. Architectural history, 15, 5-22.
- Bennett, J. A. (1975). *Christopher Wren: Astronomy, architecture, and the mathematical sciences*. Journal for the History of Astronomy, 6(3), 149-184.
- Bentel, P. L. (1994). *Modernism and professionalism in American architecture, 1919-1933*.
- Chen, S. (2021). *The Importance of Urban Landscape Design in Urban Planning*. Journal of Sociology and Ethnology, 3(5), 144-148.
- Cohen, J. L. (2006). *Le Corbusier*. Taschen GmbH.
- Crook, D. H. (1967). *Louis Sullivan and the Golden Doorway*. Journal of the Society of Architectural Historians, 26(4), 250-258.
- Darn, H., & Mark, R. (1981). *The Architecture of Christopher Wren*. Scientific American, 245(1), 160-175.
- Dee, C. (2001). *Form and fabric in landscape architecture: a visual introduction*. Taylor & Francis.
- Diba, D., & Dehbashi, M. (2004). *Trends in modern Iranian architecture*. J Iran Archit Chang Soc, 31-41.
- Dincă, I., Keshavarz, S. R., & Almodaresi, S. A. (2023). *Landscapes of the Yazd-Ardakan Plain (Iran) and the Assessment of Geotourism—Contribution to the Promotion and Practice of Geotourism and Ecotourism*. Land, 12(4), 858.
- Doyle, A. C. (2007). *Christopher Wren*. OUP Oxford.
- Etikan, I., Alkassim, R., & Abubakar, S. (2016). *Comparison of snowball sampling and sequential sampling technique*. Biometrics and Biostatistics International Journal, 3(1), 55.
- Falahatkar, H., & Aminzadeh, B. (2018). *The sense of place and its influence on place branding: a case study of Sanandaj natural landscape in Iran*. Landscape Research.
- Flint, A. (2014). *Modern man: The life of Le Corbusier, architect of tomorrow*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Gehl, J. (2013). *Cities for people*. Island press.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to study public life*.
- Ghasemi, K., Hamzenejad, M., & Meshkini, A. (2019). *The livability of Iranian and Islamic cities considering the nature of traditional land uses in the city and the rules of their settlement*. Habitat International, 90, 102006.
- Gold, J. R., Hein, C., Orillard, C., Rego, R. L., & Pérez Oyarzun, F. (2019). *Complexity and contradiction: in memoriam Robert Venturi*. Planning Perspectives, 34(3), 533-538.
- Grafton, A. (2002). *Leon Battista Alberti: Master Builder of the Italian Renaissance*. Harvard University Press.
- Habibi, R., & De Meulder, B. (2015). *Architects and 'architecture without architects': modernization of Iranian housing and the birth of a new urban form Narmak (Tehran, 1952)*. Cities, 45, 29-40.
- Janson, A., & Tigges, F. (2014). *Fundamental Concepts of Architecture*. In Fundamental Concepts of Architecture. Birkhäuser.
- Kafi, F., Yousefi, E., & Jahanishakib, F. (2023). *Evaluation of Landscape Dynamics in City Thermal Islands (Case Study: City of Birjand, Iran)*. Environmental Energy and Economic Research, 7(1), 1-25.

- Karimi, M., Bemanian, M. R., Ansari, M., & Mansouri, S. A. (2023). **Recognition of the Components of the Urban Landscape Visual System Elements and Values**. MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 15(62), 72-85.
- Lazarus, N. (2002). **The politics of postcolonial modernism**. The European Legacy, 7(6), 771-782.
- Lenzholzer, S., Duchhart, I., & Koh, J. (2013). **'Research through designing' in landscape architecture**. Landscape and Urban Planning, 113, 120-127.
- Liu, C., Lin, M., Rauf, H. L., & Shareef, S. S. (2022). **Parameter simulation of multidimensional urban landscape design based on nonlinear theory**. Nonlinear Engineering, 10(1), 583-591.
- Liu, X., Chen, X., Huang, Y., Wang, W., Zhang, M., & Jin, Y. (2023). **Landscape Aesthetic Value of Waterfront Green Space Based on Space–Psychology–Behavior Dimension: A Case Study along Qiantang River (Hangzhou Section)**. International Journal of Environmental Research and Public Health, 20(4), 3115.
- Lynch, K. (1964). **The image of the city**. MIT press.
- Lynch, K. (1984). **Good city form**. MIT press.
- Lynch, K. (1995). **City sense and city design: writings and projects of Kevin Lynch**. MIT press.
- Mahan, A., & Mansouri, S. A. (2017). **The study of "landscape" concept with an emphasis on the views of authorities of various disciplines**. Bagh-e Nazar, 14(47), 17-28.
- Manieri-Elia, M., & Sullivan, L. H. (1996). **Louis Henry Sullivan**. Princeton Architectural Press.
- Matan, A., & Newman, P. (2016). **People cities: The life and legacy of Jan Gehl**. Island Press.
- Mirvahedi, S. H. (2016). **Linguistic landscaping in Tabriz, Iran: A discursive transformation of a bilingual space into a monolingual place**. International Journal of the Sociology of Language, 2016(242), 195-216.
- Motamedi Nejad, M., & Saeidi Mofrad, S. (2022). **Visual Impact Assessment of building's facade on the natural landscape (Case study: Namaz Boulevard of Mashhad)**. Journal of Environmental Science and Technology, 23(11), 51-68.
- Motloch, J. L. (2000). **Introduction to landscape design**. John Wiley & Sons.
- Murphy, M. (2016). **Landscape architecture theory**. Washington, DC, USA: Island Press.
- Nijhuis, S., & de Vries, J. (2019). **Design as research in landscape architecture**. Landscape Journal, 38(1-2), 87-103.
- Rahimi, A., & Breuste, J. (2023). **Changes in Urban Green Infrastructure in Tabriz, Iran. In Making Green Cities: Concepts, Challenges and Practice (pp. 505-519)**. Cham: Springer International Publishing.
- Robinson, J. (2004). **Cities between modernity and development**. South African Geographical Journal, 86(1), 17-22.
- Salahi, S., & Moztaezadeh, H. (2023). **Providing Design Solutions of Urban Facades Based On the Aesthetics Principles of Colors, Case Study: Afifabad Street, Shiraz**. Space Ontology International Journal, 12(1), 61-75.
- Samuel, F. (2007). **Le Corbusier in detail**. routledge.
- Samuel, F. (2010). **Le Corbusier and the architectural promenade**. In Le Corbusier and the Architectural Promenade. Birkhäuser.
- Schleier, M. (2002). **Ayn Rand and King Vidor's Film "The Fountainhead": Architectural Modernism, the Gendered Body, and Political Ideology**. The Journal of the Society of Architectural Historians, 61(3), 310-331.
- Stiles, R., Gasienica-Wawrytko, B., Hagen, K., Trimmel, H., Loibl, W., Tötzer, T., ..., Feilmayr, W. (2014). **Understanding the whole city as landscape, a multivariate approach to urban landscape morphology**. SPOOL, 1(1), 401-418. Doi: 10.7480/.
- Taylor, N. (2009). **Legibility and aesthetics in urban design**. Journal of Urban design, 14(2), 189-202.
- Venturi, R., & Brown, D. S. (2004). **Architecture as signs and systems**. Cambridge, MA: Belknap Press.
- Venturi, R., Stierli, M., & Brownlee, D. B. (1977). **Complexity and contradiction in architecture (Vol. 1)**. The Museum of modern art.
- Wang, S., & Gu, K. (2020). **Pingyao: The historic urban landscape and planning for heritage-led urban changes**. Cities, 97, 102489.
- Wei, Jingzhu; Lin, Xiangyi.(2008), **The Multiple Attributed Decision-Making VIKOR Method and Its Application**, IEEE.

- Yamagata, Y., Murakami, D., Yoshida, T., Seya, H., & Kuroda, S. (2016). *Value of urban views in a bay city: Hedonic analysis with the spatial multilevel additive regression (SMAR) model*. Landscape and Urban Planning, 151, 89-102.
- Zurier, R. (2006). *Picturing the city: Urban vision and the Ashcan school*. Univ of California Press.